

درخواست جنبش سبز برای راه پیمائی



موسوی:
برای پیمودن
مسیر طولانی سبز
آماده شوید

صفحه: ۵

محسن سازگارا:
۴ توصیه برای ایام

محرم

صفحه: ۲



تایمز:
بمب و راه حل اتمی
مشکلات داخلی ایران

صفحه: ۷

دورنمای تازه اعتراضات در ایران

زیدآبادی تا پایان عمر حق تحلیل کتبی یا شفاهی را ندارد

ابراهیم نبوی: محرم، سبز، قرمز، سیاه

در برابر "پیراهن سیاهان" هوشیار باشیم

تمام روش‌های سرکوب را استفاده کردند، موثر نبود

شدت گرفتن حملات علیه رهبران مخالفان دولت در ایران

روح اله حسینیان هاشمی را به اسلام دعوت کرد

صفحات: ۲ تا ۱۲

۱۳	از قضا سر انگبین صفرا فزود تقی رحمانی
۱۳	سه نسل جنبش دانشجویی... محسن حیدریان

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقائی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهرلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

جنبش سبز

تجمع حامیان جنبش سبز در
دانشگاه تهران
اصلاح طلبان ابتکار عمل را به
دست می گیرند

صفحه: ۳

هنر سبز

هنرمندان در روز جهانی هنر
در حمایت از جنبش حقوق
مدنی ایران

صفحه: ۱۲

راههای سبز

اعتراف بولتن محرمانه ستاد
کل نیروهای مسلح:
محاسباتمان در مورد جنبش
سبز غلط بود

صفحه: ۴

چهار روز تا محرم سبز

۴ توصیه برای ایام محرم محسن سازگار

برای محرم تقریباً رنوس بحثی که مطرح است و من از مجموع نظرانی که گرفته‌م و رویش از زوایای مختلف دارد کار می‌شود، اینست که:

۱- در هشت شب اول محرم از شب اول تا شب نهم، ساعت 10 شب ما الله اکبر را چه روی بام‌ها چه در خیابان‌ها داشته باشیم.

۲- دسته‌هایی که شب‌ها حرکت می‌کند، پرچم سبز یا حسین جزء همه دسته‌ها باشد

۳- شعارهایی که همراه با عزاداری داده می‌شود محکوم کردن یزید و شمر زمانه جزء لاینفک آن باشد
۴- ولی در روز تاسوعا و عاشورا راهپیمایی بزرگ میلیونی در همه شهرها متمرکز برگزار بشود.

محرم، سبز، قرمز، سیاه ابراهیم نبوی

به نظر بوهای بدی می‌آید، نه خیلی که فکر کنی دستگیر شد و رفت، ولی به نظر شاید تصمیم گرفتند که دستگیرش کنند، فکر کنم کارشان را جلو می‌اندازند، پاشیم ساک مان را ببندیم، یک عالمه فیلم سینمایی دارم که نمی‌توانم ببرم تهران، می‌فروشم به نصف قیمت... خبر دستگیری میرحسین موسوی تأیید نشده هنوز، فعلاً شایعه است، بهتر است دستگیر نشود. البته اگر خدای ناکرده دستگیر شد، مجبوریم کمی بیشتر فشار بیاوریم. یعنی از همین فردا! این روزها خیلی دارم فکر می‌کنم که این رنگ سبز از کجای خدا و پیغمبر درآمده؟ اگر قرار است رنگ روحانیت را انتخاب کنیم، که باید همه جزو "سیاه‌جامگان" بشویم و مثل دهها جنبش دینی و غیر دینی فاشیستی لباس سیاه بپوشیم. از طرفی ما که در مراسم دینی جشن‌های شادی و تولد و از این جور چیزها نداریم، همه‌اش عزاداری است، عزاداری هم سیاه است. در مقابل این تشیع "سیاه" خدا بیامرزش، دکتر علی شریعتی، آمد یک چیزی توی پاچه ملت کرد به اسم "تشیع سرخ" و یعنی اینکه خین و خین ریزی از او بجنب واجبات شیعه است و ده برو که داری. علم و کتله هم همیشه به رنگ منگی و سیاه بود، از اینها گذشته رنگ اسلامی که برای مساجد هم تعریف شده، رنگ آبی است. یا در حقیقت آبی فیروزه‌ای یا گاهی لاجوردی. در وسط این جبهه مداد رنگی می‌ماند یک رنگ سبز که در طول تاریخ شیعه گاهی اوقات فقط کسانی که خیلی "یواش" بودند، یا مثلاً "شیعه لایت" بودند، از این رنگ استفاده می‌کردند. شالی می‌بستند و همین. حالا ممکن است در تمام جهان رنگ سبز تبدیل به جانشینی برای رنگ قرمز پرچم کمونیستی شده باشد و کلا سبزهای اروپا همان سرخ‌های سابق باشند، ولی سبز ما آن شکلی نیست. البته در تمام اروپا هم سبز رنگ صلح و دموکراسی نیست، بلکه در یک کشوری مثل ایتالیا سبز رنگ راستگرایی و اندیشه‌های تندروانه و یحتمل شوونیستی است. حالا اینها را بگذاریم کنار، می‌خواهیم چه کنیم با این همه تعریف و توصیف که در ریال هم نمی‌آورد. اینها را ول کنیم و برویم بجسیم به ادامه جنبش سبز. فعلاً شهر در امن و امان است. مثل همیشه که وقتی مردم وارد صحنه درگیری می‌شوند، دولتی‌ها تا یک ماه افسردگی بعد از زایمان می‌گیرند، فعلاً کیهان و فارس و راجبوز و سایر سایت‌های وابسته به خداوند و دولت متعال، سق‌شان را با سبز برداشته‌اند و تقریباً از ده تا مطلبی که می‌نویسند، سیزده تا‌ش در مذمت جنبش سبز است. این نشانه خوبی

است، بهتر است با دقت همین کار را انجام دهند، تا ما مشرف شویم و رهنمودهای خودمان را درباره آینده جنبش سبز بدهیم.

فشار بده عزیزم

ببینید! ما یک داستان داریم که دو طرف دارد، یک طرف دولت و حکومت است که باید برود، یک طرف هم ملت است که باید بماند. دولتی‌ها بیست سی درصد حامی دارند، مردم هم هفتاد هشتاد درصد حامی دارند. هر چه جلوتر برویم و فشار وارده از سوی جنبش سبز به حکومت بیشتر شود، آنها زرتی ریختگی پیدا می‌کنند و عمه و خاله و عمو و اصغر و آرنولدشان پناهنده می‌شود به فرنگستان، یا می‌آیند طرف مردم، یا از قدرت کناره می‌گیرند. از طرف دیگر هر چه مبارزه طولانی‌تر شود، هزینه‌اش کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه تعداد افرادی که به حکومت فشار می‌آورند بیشتر می‌شوند، در نتیجه یک روزی می‌رسد که تعادل نیروها یک به یک می‌شود، در حقیقت قدرت مردم و حکومت برابر می‌شود، در آن حالت حکومت یا پای میز مذاکره می‌نشیند و قدرت را واگذار می‌کند، یا به کشتار و فشار بر مردم می‌افزاید. در حالت دوم، معمولاً دولت دائم سرنوشت خودش را سخت‌تر و هزینه‌ملت را بیشتر می‌کند، اما در هیچ حالتی امکان ندارد که جلوی سقوط گرفته شود. به همین دلایل بسیار اساسی که بعداً جزئیات آن را شاید هم نگفتم، ما فعلاً در مرحله فشار آوردن به دولت و حکومت هستیم. مهم‌ترین کار ما برای پیروزی جنبش فقط و فقط فشار آوردن بر حکومت است. و ماه محرم بهترین ماه برای فشار آوردن بر حکومت است:

اول، ماه محرم در سی سال گذشته بندریج از یک مراسم دینی و عزاداری ایدئولوژیک تبدیل به یک مراسم آئینی شده، یعنی افرادی که در آن شرکت می‌کنند، ممکن است اعتقاداتی به دین و خدا و پیغمبر داشته باشند، اما محرم را به صورت آئین نگاه می‌کنند، ضمن اینکه محرم تبدیل به یک مراسم غیردولتی شده است، مردم نذری می‌دهند، برای خودشان تکیه می‌زنند، علم و کتله مربوط به محل خودشان را دارند. خوش تیپ‌ها اعم از پسر و دختر با لباس‌های ویژه کارناوال محرم در مراسم حاضر می‌شوند و عده‌ای تماشاجی و عده‌ای شرکت‌کننده در مراسم اند، این مراسم از بالاترین نقاط شمال تهران، تا پائین ترین نقاط جنوب روستاهای کشور وجود دارد. به نظر بدست تکیه های سبز در همه شهرها و شهرستانها نه تنها لازم که واجب است.

دوم، با توجه به آیه شریفه "هنر نزد ایرانیان است و بس" ما ایرانیان در هر حال این توانایی را داریم که از شعارهای سیاسی تا ترانه‌های رایج، تا استفاده از آمار در شعار، تا تغییر دادن نوحه‌های عاشورا این تغییرات را بدهیم. بنابراین یکی از کارهای شعری این جنبش سبز، سرودن نوحه‌های سبز برای خواندن در مراسم عاشوراست، یادمان نرود که براساس اتفاقاتی که در ماههای گذشته افتاده است، ما هم کشته داده ایم، هم اسیر دادیم، هم مورد حمله قرار گرفتیم، و از همه مهم‌تر اینکه ما موجوداتی مظلوم و تحت فشار هستیم و آنها دقیقاً در موضع ظالمین هستند. مساله مظلومیت هم مساله‌ای نیست که به این راحتی بشود و لش کرد، این ملت 1400 سال قیل یک لشگری ریخته به سر یک گروه معدود از طرفداران حقیقت و آنها را کشته‌اند و اسیر کرده‌اند و ملت ما 1400 سال است ول‌شان نمی‌کنند، حالا که فعلاً آب افتاده دست جنبش سبز و حالا حالا‌ها پروژه داریم.

سوم، ممکن است کسانی نگرانی داشته باشند که حضور در مراسم عاشورا ممکن است باعث سوء استفاده دولت شود، یعنی آنها از حضور ما در مراسم عاشورا استفاده کنند و تصویر ما را به عنوان حامیان دولت نشان دهند. واقعیت این است که صدا و سیما چون عدالت و بی‌طرفی خودش را از دست داده، کسی دیگر به تبلیغات تلویزیونی توجه نمی‌کند، بخصوص وقتی که خودتان یک تصویری را دیده باشید، وقتی من با چشم خودم واقعی را دیدم

راههای سبز



طبیعی است که آن واقعیت را با چشم تلویزیون نمی‌بینم. ضمن اینکه رسانه‌های جهانی و رسانه‌های مستقل در حقیقت تصویر اصلی را می‌دهند. در این چند ماه عملاً رسانه‌های مردمی است که راوی واقعات حوادث ایران است.

چهارم، مهم‌ترین خصوصیت ایام محرم این است که ما ده روز در اختیار داریم، ده روز و ده شب که زمان مناسب برای عقب‌نشاندن کامل دولت است، یادمان نرود که فاصله میان اعتراضات مردمی بیش از آنکه برای تجدید قوای مردم باشد، وسیله‌ای برای تجدید قوای پلیس است، پلیس به محض اینکه مجبور شد سه روز پشت سر هم در خیابان بایستد دچار فرسودگی می‌شود و این فرسودگی نظم و قدرت نیروی پلیس را به هم می‌ریزد. و وقتی این اتفاق رخ بدهد، عملاً نیروی مردم است که شاهد تنش‌های درونی پلیس خواهد بود، بخصوص اینکه ما با پلیس بی‌نظم و مزدور رو برو هستیم که اعتقادی به کارش ندارد. پنجم: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مراسم سبز محرم، درک بسیاری از مفاهیم و عادات و خرده‌فرهنگ‌های ناشی از زندگی مردم داخل در این سی سال، توسط ایرانیان بیرون کشور است. بسیاری از ایرانیان خارج از کشور که به جنبش سبز هم علاقه دارند، نمی‌توانند بفهمند که چطور ممکن است، پسری علم و کتله به دستش بگیرد و سینه زنی و زنجیر زنی هم حتی بکند، اما این مراسم نه تنها هیچ باور ایدئولوژیک در او ایجاد نکند، بلکه صرفاً ناشی از یک رفتار آئینی باشد. محرم سالهاست که به آئین تبدیل شده، همان چیزی که چهارصد سال گذشته بوده است و به همین دلیل بهترین پناهگاه برای جنبش سبز است. احتمالاً بعضی از دوستان خرده خواهند گرفت که حضور در مراسم محرم باعث افزایش گرایش دینی در جنبش سبز می‌شود. از نظر من این موضوع ترسناکی نیست، مردمی که داخل ایران زندگی می‌کنند بهترین کسانی هستند که قدرت درک لایسسته و سکولاریزم را دارند، کسی که در جامعه دینی زندگی نمی‌کند، نمی‌تواند به درک سکولاریزم نائل شود.

کارناوال محرم

برای من خیلی جای تعجب بود، وقتی تصویر آتش زدن عکس آیت الله خمینی را دیدم. آتش زدن عکس احمدی تژاد و خامنه‌ای برایم طبیعی بود، اما بیش از آن را نمی‌توانستم بفهمم. یعنی چه ربطی دارد؟ بخصوص اینکه این کار آنقدر ناشایسته انجام شده بود، که انگار یک هفته قبل از شانزده آذر، در یک جایی بیرون ایران، یا در ساختمان نیروی انتظامی، با یک فندک خراب و فقط بقصد فیلمبرداری صورت گرفته باشد. در همین راستا موارد زیر لازم‌الذکر است: اول، چرا تصویر عکس آتش گرفته آیت الله خمینی از صدا و سیما مکرراً پخش شد، ولی آتش زدن عکس خامنه‌ای و احمدی تژاد که واقعتاً داشت پخش نمی‌شود.

دوم، این عکس معلوم نیست در کجا آتش زده شده، دست دو دستیار فیلمبردار در صحنه دیده می‌شود، و دیگر خبری از چیزی نیست.

سوم، وقتی محافظه‌کاران با فرزند و نوه و نتیجه و آثار امام دشمنی بیشتری دارند، طبیعی است که آنها عکس امام خمینی را آتش بزنند، نه سبزها که شعار می‌دادند "حرف ما یک کلام، نخست وزیر امام". چهارم، در طول ماههای گذشته، بارها و بارها اقداماتی صورت گرفت که بطور طبیعی باید علما و طلاب و بسیجیان جر می‌خورند و کفن می‌پوشیدند و اعتراض‌کنان به خیابان می‌آمدند، از جمله در مورد ملاقات وزیر دولت احمدی تژاد با وزیر اسرائیلی، یا مثلاً هتک حرمت به مراجع، یا مثلاً پخش سرود شاهنشاهی در مراسم استقبال از احمدی

راههای سبز



تاریخی از بکارگیری این شیوه توسط ساواک اشاره شود که در ماه محرم سال ۱۳۴۲ و در جریان قیام ۱۵ خرداد به اجرا درآمد. این کار توسط تعدادی از مأموران ساواک انجام شد که به علت پوشیدن لباسهای مشکی - لباس معمول عزاداران ماه محرم - به "پیراهن سیاهان" معروف شدند. "پیراهن سیاهان" گروهی از مأموران امنیتی بودند که در خلال قیام ۱۵ خرداد و روزهای بعد از آن، در پوشش عوامل نفوذی به عنوان عناصر و عوامل قیام، در تظاهرات و درگیریهای خیابانی حضور یافته و طبق مأموریت محوله، با اقدامات خرابکارانه خود اعم از آتش زدن کیوسکهای تلفن، تخریب اماکن عمومی، به آتش کشیدن کتابخانه پارک شهر و... درصدد برآمدن ماهیت و غایت قیام اصیل ۱۵ خرداد را خدشه‌دار سازند و عوامل آن را افرادی اوباش معرفی کنند. برای آشنایی بیشتر با این جریان به مقاله‌ی "نقش پیراهن سیاهان در قیام ۱۵ خرداد" مراجعه نمایید. مطالعه‌ی این مقاله به همه توصیه می‌شود و می‌توانید آن را با مراجعه به "پایگاه اطلاع رسانی پانزده خرداد ۱۳۴۲" مطالعه فرمایید..

تجمع حامیان جنبش سبز در دانشگاه تهران

اصلاح طلبان ابتکار عمل را به دست

می گیرند



در پی چند روز جنجال رسانه ای و خیابانی نیروهای دولتی به بهانه پاره شدن عکس آیت الله خمینی در روز ۱۶ آذر، به تدریج هواداران جنبش سبز با محوریت دانشجویان به شکل دادن تجمعات متقابل می پردازند. در آخرین تحولات نیروهای دولتی، دیروز واحد مرکزی خبر ادعا کرد با تحصن جمعی از طلاب حوزه علمیه قم، بازار این شهر نیز در اعتراض به آنچه که "هتک حرمت امام از سوی سران فتنه" نام گرفته، تعطیل شده است. واحد مرکزی خبر در حالی مدعی تعطیلی بازار شهر قم شده که بنا به گفته برخی از شاهدان عینی که با خبرنگار روز گفت و گو کرده اند، به تعطیلی کشاندن بازار شهر قم با فشار نیروهای امنیتی و انتظامی انجام شده و برخی از کسبه نیز نسبت به این اعمال فشار اعتراض کرده اند که به درگیری نیروهای انتظامی با آنها انجامیده است. گفتنی است در سال ۸۱، مشابه تلاش های کنونی محافظه کاران به بهانه چاپ کاریکاتور در روزنامه حیات نو انجام شد که دستمایه آن نیز "توهین به امام" بود. در آن زمان محافظه کاران با به تعطیلی کشاندن بازار تهران و نیز تحصن طلاب در موسسه امام خمینی قم (وابسته به مصباح بزدی) توانستند موجب توقیف موقت روزنامه حیات نو و بازداشت مسئول صفحه ای شوند که کاریکاتور مورد اعتراض در آن چاپ شده بود. بنا به اعتقاد ناظران سیاسی، قدرت سازماندهی عوامل دولتی در مقطع کنونی نسبت به مورد مشابه سال ۸۱ به شدت کاهش پیدا کرده و عدم استقبال بازار این قم و نیز ناتوانی در به تعطیلی کشاندن بازار تهران از جمله نشانه های ناتوانی هواداران دولت در زمینه سازی برای رسیدن به خواسته های شان به شمار می آید. با این حال در ادامه موج آفرینی بر علیه میرحسین موسوی، دیروز نیز دانشجویان وابسته به سازمان بسیج دانشجویی با برپایی تحصن در دانشگاه تهران خواستار برخورد با "سران فتنه" شدند. این در حالی است که سایت پارلمان نیوز، پایگاه خبری فراکسیون اقلیت مجلس در گزارشی، پشت پرده حضور نیروهای بسیج در دانشگاه تهران از روز ۱۶ آذر تا دیروز را افشا کرده است.

۳- علی‌رغم تلاش‌های هماهنگ وزیر اطلاعات، صدا و سیما و بخشی از طلاب و مبلغین، خوشبختانه از آنجا که این تصویر تنها توسط دوربین‌های صدا و سیما تصویربرداری شده و برای اولین بار در سیمای جمهوری اسلامی نشان داده شده، افکار عمومی متوجه مشکوک بودن این ماجرا شده است و کودتاگران در انتساب این جریان به جنبش سبز ناموفق بوده‌اند.

۴- رهبران جنبش سبز آقایان موسوی، کربوبی و خاتمی همگی با صراحت اهانت به امام خمینی را محکوم کردند و ضمن مشکوک خواندن این جریان برانگیز خود را از آن اعلام کردند.

۵- مجمع روحانیون مبارز طی اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام اعلام کرد برای نشان دادن دلبستگی همگان به راه امام و تجلیل از یاد و نام او درخواست یک راهپیمایی با شکوه را کرده است.

۶- مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌های مسالمت آمیز نیازی به اخذ مجوز ندارد. با این حال از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد تا به حال رهبران جنبش سبز چندین بار درخواست راهپیمایی و با گردهمایی کرده‌اند ولی کودتاگران از صدور هرگونه مجوزی برای آنها خودداری کرده‌اند تا به بهانه‌ی غیرقانونی بودن تجمعات زمینه‌ی سرکوب مردم را فراهم کنند

۷- گذشته از بهانه‌ی "غیرقانونی بودن تجمعات"، آنچه بیش از همه مورد استفاده کودتاگران در توجیه سرکوب مردم و به کاربردن خشونت عریان بوده است "اغتشاشگر نامیدن مردم" و سرکوب آنها به بهانه‌ی "برهم زدن نظم عمومی" است. به عنوان نمونه در جریان اعتراضات پس از کودتای انتخاباتی، صدا و سیما تلاش بسیاری داشت تا با نشان دادن تصاویری از به آتش کشیده شدن بانکها، شکسته شدن شیشه‌های خودروها و برخی تخریبهای دیگر، مردم حاضر در خیابانها را اغتشاشگر جلوه دهد و با این بهانه سرکوب مردم را برای افکار عمومی توجیه کند.

۸- در اینترنت عکس‌ها و تصاویر مختلفی منتشر شده که نیروهای امنیتی را در حال تخریب اموال عمومی مانند شکستن شیشه‌ی خودروهای مردم نشان می‌دهد و این احتمال وجود دارد که بخش اعظمی از کارهایی که ممتسک کودتاگران در سرکوب مردم قرار گرفته مانند به آتش کشیدن بانکها و خودروها و تخریب مغازه‌ها و اماکن توسط عوامل کودتا برنامه ریزی و اجرا شده باشد.

۹- ترفند "نفوذ در تجمعات سیاسی و خرابکاری به منظور وارونه جلوه دادن اصل ماجرا و تخریب رقیب سیاسی در میان افکار عمومی" ترفندی قدیمی و مسبق به سابقه است. شاید بتوان گفت منحصر به فردترین و بارزترین نمونه‌ی این اقدامات "راه اندازی کارنوال عصر عاشورا" است که پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ با هدف تخریب وجهه "سید محمد خاتمی" در افکار عمومی برنامه ریزی و اجرا شد.

۱۰- با توجه به اقدام مشکوک اهانت به امام و درخواست راهپیمایی توسط مجمع روحانیون مبارز و همچنین در پیش بودن ماه محرم و ایام عزاداری امام حسین (ع) که فرصت مناسبی برای اعتراض مردم به کودتاگران به شمار می‌رود، لزوم هوشیاری بیشتر مردم در مقابل اقدامات برنامه ریزی شده کودتاگران با هدف بهانه تراشی برای سرکوب جنبش به شدت احساس می‌شود. نباید به کودتاگران اجازه داد تا انجام هر گونه اقدامی جنبش سبز مردم ایران را ضد امام یا اسلام جلوه دهند و به این بهانه ادامه‌ی سرکوب مردم را برای هواداران خود توجیه نمایند.

۱۱- برای آشنایی بیشتر با روشهای انجام چنین ترفندی و با توجه به در پیش بودن ماه محرم به جاست به مثالی

نژاد یا هر کدام از اینها، یا حتی آتش زدن عکس خامنه‌ای در روز سیزده آبان، ولی هیچ اتفاقی نیافتاد، همین‌که اولین تصویر روز شانزده آذر، که در آن هیچ فردی حضور ندارد، و معلوم نیست چه زمانی اتفاق افتاده، تصویر آتش زدن عکس خمینی است و بلافاصله هم اعتراضات صورت می‌گیرد، معلوم می‌شود، داستان کارنوال محرم است. در همین راستا آیت الله شیخ جعفر شجونی سارق اموال شمس پهلوی در کرج اعلام کرد: "آقا لب تر کند تا ما خرخره بجویم." در همین راستا هالیوود اعلام کرد آماده ساختن قسمت دوم سکوت بره‌ها است.

سبز فقط سبز علی، ننگ به سبز مخملی

شعر شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، رمان شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، فارسی شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، دشمن شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، فیلم شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، آشنا با زبان ترکی یعنی آیت الله خامنه‌ای، ایران شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، توطئه شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، متخصص آنترپولژی فرهنگی یعنی آیت الله خامنه‌ای، کارشناس ارولوژی یعنی آیت الله خامنه‌ای، متخصص زبان اوستایی یعنی آیت الله خامنه‌ای، آشنا با رباعیات یعنی آیت الله خامنه‌ای، متخصص تعمیر میکروفون یعنی آیت الله خامنه‌ای، بهترین ارتوپد متولد مشهد یعنی آیت الله خامنه‌ای، مقاله شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، کارشناس جلال آل احمد یعنی آیت الله خامنه‌ای، طنز شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، متخصص امپرسیونیسم یعنی آیت الله خامنه‌ای، کارشناس تاریخ اسلام شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای، تیرانداز چپ دست یعنی آیت الله خامنه‌ای، و رنگ شناس یعنی آیت الله خامنه‌ای. فقط همین آخری مانده بود، در یکی از شعارها خواندم که "سبز فقط سبز علی، ننگ به سبز مخملی" منظور هم از علی حضرت علی نبود، چون عکس خامنه‌ای را نصب کرده بود. به نظرم طرف تخت گاز از هوا نارد شده و دارد به پیونگ یانگ می‌رسد.

در برابر «پیراهن سیاهان» هوشیار باشیم

۱- انتشار تصویر عکس پاره شده‌ای از آیت‌الله خمینی از صدا و سیما دستاویزی برای تشدید فشار کودتاگران بر رهبران جنبش سبز شده است. کودتاگران با انتساب این اقدام به دانشجویان حامی جنبش سبز، شدیداً در تلاشند تا به این بهانه طرفداران مردم خود در بسیج و سپاه را به ایستادن در برابر مردم و ادامه خشونت با هموطنانشان قانع کنند و از سوی دیگر با سوار شدن بر موج عصبانیت مردم از این توهین، آنرا به جنبش سبز ربط داده و در صورت امکان زمینه را برای برخورد با رهبران جنبش و با سرکوب شدیدتر مردم در ایام محرم فراهم کنند.

۲- وزیر اطلاعات دولت کودتا بلافاصله پس از انتشار این تصاویر مشکوک به قم سفر کرد و در سخنرانی‌های خود در جمع طلاب و مبلغان حوزه علمیه قم این اقدام را به جنبش سبز نسبت داد و به آنان گفت: "از نخبگان و فرهیختگان جامعه به ویژه حوزویان و طلاب انتظار می‌رود که در برابر این اقدام و فحیحانه عکس‌العمل مناسب و بزرگی نشان داده و پاسخ کوبنده‌ای به ساختارشکنی فتنه‌گران بدهند" [۱]. این انتظار وزیر اطلاعات از حوزویان و طلاب روز بعد از سوی گروهی از آنان اجابت شد و مطمئناً در روزهای آینده نیز عکس‌العمل طلاب همچنان ادامه خواهد داشت.



راههای سبز

و ساکت از کنار آنها می گذشتند. متأسفانه نیروهای ما در عرصه های فرهنگی، سیاسی و امنیتی جزیره ای عمل می کنند و به دلیل فقدان انسجام لازم برای بهره برداری از ظرفیتهای موجود، نیروهای اندک آنها با فضا سازی روانی بر محیط پیرامونی این عرصه ها غلبه می یابند. کشور فاقد مرکزی برای هدایت عملیات روانی و مدیریت بحران است و شورای امنیت وزارت کشور طی این مدت جلسه ای را در این خصوص تشکیل نداده و همه نگاهها بر شورای عالی امنیت ملی است که البته شان آن نیز مدیریت حوادث در صحنه نیست."

راهکار

قسمت آخر گزارش که به تبیین به راهکارها و راهبردها اختصاص دارد، جنبش سبز را یک "جنگ نرم" علیه جمهوری اسلامی می داند و برای مقابله با آن "ارتشی نرم" را لازم می داند: "مقابله با جنگ نرم، همچون جنگ سخت علاوه بر داشتن استراتژی و تاکتیک مناسب نیازمند لشکرها، تیپ ها و به طور کلی سازمان رزم مناسب جنگ نرم است. لذا ضروری است الویت اصلی مدیران در صحنه بر سازماندهی نیروهای متناسب با جنگ نرم باشد. به طور مثال تشکیل دسته های چند نفره از نیروهای حزب الهی و بسیجی و حضور با برنامه و شعارهای متناسب می تواند این جمع ها را متفرق کند." در ادامه، سه راهبرد برای مقابله با این جنبش مطرح می شود که عبارتند از: "روش حذفی، روش تعاملی، روش تحدیدی."

نویسندگان گزارش معتقدند: "در شرایطی که گردانندگان این جریان در عرصه اجتماعی حضور دارند، برخورد حذفی چندان جواب نمی دهد و تعامل با این طیف نیز بر ظرفیت و امکان آنها می افزاید. بهترین روش در این شرایط، برخورد تحدیدی است که با محدود سازی آنها در عرصه های اجتماعی و سیاسی احساس کنند راهی جز عقب نشینی از مواضع افراطی خود ندارند."

از جمله راهکارهای تحدیدی مطرح شده در این بولتن جلوگیری از فیلم برداری و عکس برداری توسط مردم عنوان شده است: "در نحوه مقابله با عوامل آشوب طلب باید راهکارها مبتنی بر گرفتن و یا تحت الشعاع قرار دادن امکان تصویر و ضبط از آنها صدا باشد."

راهکارهای دیگری که در بولتن محرمانه ستاد کل نیروهای مسلح مطرح شده اند، از استفاده از هواداران غیر نظامی حکومت و تقویت مساجد گرفته تا بالا بردن هزینه کسانی که با جنبش سبز همراهی می کنند را در بر می گیرند. در این قسمت، "ضرورت انجام اقدامات توجیهی برای ارتقاء بصیرت مدیران و مسئولان و آحاد مردم در بخشهای مختلف به ویژه استبداد دانشگاه، دانشجویان و فرهنگیان" مورد تاکید قرار گرفته. در مقابل، "ضرورت بالا بردن هزینه های حضور در این گونه تجمعات (محرورهای اجتماعی، شعلی و...) برای کسانی که بی محابا در تجمعات اعتراضی شرکت می کنند" یادآوری شده است.

در گزارش همچنین تاکید شده: "مسئولان برای بازگشت آرامش در کشور و ایجاد فضای رقابتی سالم، ضرورت دارد در گفتار خویش تجدید نظر نمایند. گفتار سازی موازی جهت ایجاد اشتغالات ذهنی مخاطبان و مدیریت افکار عمومی نقش اساسی در کاهش ظرفیت و تحرک این جریان دارد. در این زمینه لازم است گروهایی فعال شده و با طرح موضوعات مناسب فضای تبلیغاتی و رسانه ای را عوض کنند." گزارش تصریح دارد: "تقویت نهادهای مردمی نظیر مساجد به عنوان نقاط کانونی اطلاع رسانی و بسیج مردم در شرایط ویژه، الویتی اساسی در مقطع کنونی دارد. با وجود تکثر رسانه ای در کشور، متأسفانه رسانه ایی که با بودجه بیت المال اداره می شوند در نقطه مقابل راهبردهای نظام عمل می کنند. مذاکره با مدیران این رسانه ها و سرمایه گذاری ویژه روی این گونه نشریات و روزنامه ها، باید به یک الویت اساسی تبدیل شود." سرانجام آنکه گزارش خاطر نشان می کند: "اختلاف سلیقه بزرگان و علما سبب شده است کسانی که اندک اعتقادی به

کارشناسان امنیتی نویسنده این گزارش، در قسمت دیگری، نگرانی خود را نسبت به هواداری بدنه نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و حتی برخی مدیران از جنبش سبز چنین بیان می کنند: "بعضی از مدیران و مسئولین در ادارات و موسسات دولتی در میان معترضان خیابانی دیده می شوند، بدون آن که هیچ نگرانی از تبعات این حضور خود داشته باشند. متأسفانه به هم ریختگی فضای اداری با تغییر بخش عمده ای از وزرا، شرایط را برای چنین حضورهایی مهیاتر ساخته است."

از نکات قابل توجه این گزارش امنیتی، سعی آن در بازشناسی ماهیت و خواستگاه جنبش سبز است. گزارش ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به بی توجهی هواداران جنبش سبز به شعارهای سنتی روز قدس و سر دادن شعارهای جدید نتیجه می گیرد که خواستگاه این جنبش از طبقات مرفه و متوسط به بالا است و در تحلیل ماهیت آن تاکید می کند: "در تحلیل ریشه های این گونه تحركات، سه عامل با ماهیت اساسی را می توان بر شمرد: نخست، ماهیت سیاسی، دوم، ماهیت فرهنگی اجتماعی و سوم، ماهیت امنیتی... تحركات این مبارزه اگر چه در آستانه انتخابات متناسب با شرایط سیاسی کشور اوج گرفت و پس از انتخابات با توجه به فراخوان موسوی و حوادث روزهای بعد از انتخابات ماهیت امنیتی به خود گرفت، اما روند بعد از آن نشان داد که ماهیت تحركات آنها بیشتر جنبه فرهنگی و اجتماعی دارد تا سیاسی و امنیتی. رهبران آنها در داخل سیاسی هستند و در بیرون امنیتی و البته ماهیت مطالبه اصلی آنها اجتماعی و فرهنگی است."

مناسبت های ملی

در بخش دیگری از این گزارش، تلاش شده تا حضور گسترده زنان در جنبش سبز را عامل تحریک مردان قلمداد کنند و ادعا شده: "حضور دختران و زنان در کنار مردان که با عدم رعایت موازین شرعی نیز همراه بود در تحرك بخشیدن به مردان نقشی اساسی داشت."

از دیگر نکات قابل توجه این گزارش، بندی است که در آن نسبت به راهکار معترضان برای استفاده از تقویم مناسبت های رسمی جمهوری اسلامی ابراز نگرانی شده است: "با توجه به سرمایه گذاری نظام برای فعالیتهای ویژه دینی و ملی در کشور همچون روز جهانی قدس، نمازهای سیاسی-عبادی جمعه، 13 آبان سالروز مبارزه با استکبار، و 22 بهمن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، جریان برانداز و افراطی در صدد است از این پس، از این بسترها برای هجمه به ارزشهای انقلاب و نظام استفاده نماید."

کارشناسان امنیتی نویسنده بولتن محرمانه، همچنین جداسازی "عناصر افراطی" جنبش از عناصر "صرفاً معترض" را راهکار مناسبی برای مدیریت اعتراضها می دانند و می نویسند: "به دنبال طرح شعارهای ضد ارزشی و روشن شدن ماهیت این جریان، شاهد صف بندی جدید این طیف در عرصه های سیاسی-اجتماعی خواهیم بود که در چنین شرایطی، با جدا سازی عناصر افراطی و برانداز از عناصر صرفاً معترض، می توان تحركات آنها را با هوشمندی مدیریت کرد."

این بولتن در بخش دیگری به برخورد نیروهایی که آنان را "خودی" می نامد می پردازد و با اینکه مدعی بیشتر بودن جمعیت آنها از معترضین است، ولی حضورشان را "انفعالی" ارزیابی می کند و به همین دلیل پیشنهاد ایجاد مرکزی با هدف "هدایت عملیات روانی و مدیریت بحران" را طرح نماید. در این بخش آمده است: "به رغم حضور گسترده مردم حزب الله در اطراف این عده، به دلیل عدم سازماندهی و هدایت مناسب، مدافعت نظام اثر کندی بر کنترل و تغییر شعارها و راهبردهای هنجار شکنانه داشتند. نداشتن نقشه راه و عدم بهره برداری مناسب از امکانات برای تحت الشعاع قرار دادن تحركات آنها سبب شده بود آنها در نقاطی که متمرکز شده بودند بر جمعیت نیروهای خودی غلبه یابند. در حالیکه در بعضی نقاط خاص، آنها در شعارها و برنامه هایشان تحرك و انسجام کاملی داشتند، در صحنه مقابل، نیروهای حزب اللهی با کمترین واکنشی آرام

فضای جامعه

اعتراف بولتن محرمانه ستاد کل نیروهای مسلح: محاسباتمان در مورد جنبش سبز غلط بود



همزمان با ادامه اعتراضات حامیان جنبش سبز و در شرایطی که راهکارهای نیروهای امنیتی برای سرکوب این جنبش اجتماعی نتیجه ای در بر نداشته، ستاد کل نیروهای مسلح بولتن محرمانه ای منتشر کرده که در آن، ضمن اعتراف به اشتباهات محاسباتی دستگاه امنیتی، راهکارهای جدیدی برای سرکوب معترضین پیشنهاد شده است.

ستاد مشترک کل نیروهای مسلح ماه گذشته و در آستانه تجمعات روز 13 آبان، گزارشی با عنوان "تاملی بر حوادث روز قدس و راهبردهای آتی" منتشر کرد که به تازگی نسخه ای از آن به دست "روز" رسیده است. در این گزارش، با اشاره به اشتباهات محاسباتی دستگاه امنیتی در مورد اقبال اجتماعی به حرکت های اعتراضی و ناکارآمدی روشهای حکومتی در خاموش کردن جنبش سبز، راهکارهای جدیدی برای برخورد با تجمعات 13 آبان و 16 آذر توصیه شده است.

در این بولتن محرمانه که توسط معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح در اختیار برخی مدیران ارشد کشوری قرار گرفته، ضمن اعتراف به اشتباه برآوردی نهادهای امنیتی و نظامی در مورد جنبش سبز آمده است:

"برآوردهای اولیه نهادهای مسئول در مورد کمیت و کیفیت حضور کسانی که با فراخوان نامزدهای شکست خورده و شبکه های مختلف ماهواره ای و سایبری به صحنه آمده بودند با واقعیت تطابق نداشت و نشان داد که کمبودها و نواقص در خصوص تهیه برآوردهای اطلاعاتی در این گونه موارد وجود دارد. حضور افراد مذکور در شرایطی صورت گرفته که بیش از صد روز از زمان انتخابات می گذرد و طی این مدت بسیاری از سران اصلی آشوبها دستگیر شده و با پخش جریان محاکمه آنها افکار عمومی به میزان زیادی با اهداف و آشوبهای بعد از انتخابات آشنا شده و مسئولان نظام با سخنان روشنگرانه خود سعی در ایجاد آرامش در فضای سیاسی کشور را داشتند."

درز تصمیمات محرمانه

در ادامه، تهیه کنندگان بولتن به گلایه از بی توجهی نهادهای امنیتی به بازداشت افرادی که آنها را "سرپل شبکه های ارتباطی" می نامد، می پردازند و می نویسند: "بر اساس برنامه ریزهای انجام شده قرار بود با دستگیری سرپل های شبکه های ارتباطی اغتشاشگران قبل از روز راهپیمایی، حلقه اتصال برنامه ریزان با بدنه اجتماعی آنها قطع شود، اما بی توجهی به این امر باعث شد در روز راهپیمایی شاهد سازماندهی و نحوه حضور این گروه در ساعت و مکانهای مشخص و پیش بینی شده آنها باشیم."

در ادامه نویسندگان این گزارش، با گلایه از "درز کردن" تصمیمات محرمانه به رسانه های مخالف، در این خصوص به مسئولین هشدار می دهند و می نویسند: "اگرچه حضور اغتشاشگران در راهپیمایی استفاده از حاشیه امن افرادی نظیر خاتمی، موسوی، کروبی بود، اما اطلاع آنها از برنامه نیروهای انتظامی و امنیتی در عدم برخورد، میزان حضور و تجری آنها موثر بود. این امر می تواند بیانگر این باشد که تصمیمات محرمانه به راحتی به بیرون درز می کند."



راههای سبز

در کنار این مراسم، شایعاتی مطرح شد که گویا قرار است که میرحسین موسوی بازداشت شود. در عین حال سپاه پاسداران هم اعلام کرد که در قبال این اتفاقاتی که رخ داده، یا اهانت‌هایی که صورت گرفته، نباید ساکت بود. فکر می‌کنید بحث دوباره بازداشت آقای موسوی در این شرایط چرا مطرح می‌شود؟

بحث بازداشت رهبران جنبش، آقایان موسوی و کروبی، بارها و بارها از سوی محافل نزدیک به اصولگرایان مطرح شده و روی آن تبلیغ شده است. البته وزیر اطلاعات اعلام کرد که تدبیری که رهبری و نظام اندیشیده‌اند، این است که افرادی که خودشان تمایل دارند (به تعبیر ایشان) دستگیر شوند، را دستگیر نکنند. اما من فکر می‌کنم که در حاکمیت موجود جدالی بین دو بخش وجود دارد. یک بخش حداقل عقلانیت را در عدم دستگیری رهبران جنبش سبز فکر می‌کند و بخش دیگر که با افراط‌گرایی و تندروی تلاش می‌کند که زمینه دستگیری آقایان موسوی و کروبی را فراهم کند. این دو بخش باهم در جدال هستند و با استدلال‌هایی که با هم می‌آورند و با زور آزمایی که با هم می‌کنند، هر یک تلاش می‌کند که نظرش را بر دیگری غالب کند و بتواند نظر رهبری نظام و روسای قوا را برای این دستگیری جلب کند. حالا باید دید در ساعت‌ها و روزهای آینده چه مقدار این دو گروه بر هم غلبه پیدا کنند و کدام یک دست بالاتری داشته و کدامیک توانسته است رهبری نظام را به نظر خود جلب کند. منبع: بهروز کارونی- رادیو فردا

میرحسین موسوی: برای پیمودن مسیر

طولانی سبز آماده شوید

رنگ سبز ریشه در تاریخ و ملیت و فرهنگ ما دارد

میرحسین موسوی، به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران با تأکید بر ادامه «اعتراض‌های مسالمت‌آمیز و قانونی»، خواستار برچیده شدن فضای امنیتی در کشور شد و از حضور عده‌ای «چماق به دست» در دانشگاه‌ها در روز دانشجو به شدت انتقاد کرد.

به نوشته سایت‌های اینترنتی حامیان جنبش سبز در ایران، میرحسین موسوی که روز دوشنبه در دیدار با شماری از نمایندگان احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب استان فارس سخن می‌گفت، با بیان اینکه پس از انتخابات مردم تنها به دنبال رأی خود بودند، از سرکوب خشونت‌آمیز تظاهرات معترضان به نتایج انتخابات توسط حکومت به عنوان دلیل «افزایش مطالبات مردم» نام برد.

وی افزود: «مردم حق دارند سؤال کنند و این حق باید برآورده گردد، نه این که با قوه قهریه با آن برخورد شود. امروز اگر مطالبات آنها افزایش یافته است، به دلیل برخورد نامناسب با آن سؤال است. اگر صدا و سیما خوبی داشتیم، اگر به سؤال‌های مردم پاسخ داده می‌شد و با آنان به طور خشن برخورد نمی‌شد، امروز شاهد برخی حرکات ساختارشکنانه نبودیم». میرحسین موسوی با تأکید بر لزوم «برچیده شدن فضای امنیتی» اظهار داشت: «در فضای امنیتی حرکت‌ها زیرزمینی می‌شود، رادیکالیزم رشد می‌کند و امکان رشد و پیشرفت سلب می‌شود».

همگان به راه امام و تجلیل از یاد و نام او را دارد و در این باب اقدام رسمی و مکاتبه با مسئولان ذیربط را به عمل می‌آورد و نتیجه را به استحضار ملت شریف خواهد رساند».

سراج الدین میردامادی، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر در پاریس در مورد واکنش هواداران دولت و راهپیمایی آن‌ها می‌گوید: حاکمیت جریان اقتدارگرا در داخل ایران، بخشی از نیروهای تبلیغاتی سیاسی را برای خودش همواره بسیج کرده و در تمام مناسبت‌هایی که اراده حاکمیت بر حضور و مانور جمعیتی از تظاهرکنندگان باشد، این‌ها را سازماندهی شده داشته و به صحنه آورده است؛ و با تدوین و دستور و دیکنه شعارهای مشخص، در مراسم‌های مختلف، پس از نماز جمعه تهران و در حوزه‌های علمیه، در مراکز بسیج و مساجد، سعی کرده یک مانور اجتماعی را در تأیید نظرات حاکمیت، محکوم کردن و منکوب کردن منتقدان و مخالف حاکمیت [به راه اندازد]. مسئله کفن پوشان و اعلام عزای کردن و سیاهپوش کردن و ندای «وا اسلاما» دادن چیزی بوده که در طول این سال‌ها همواره مشاهده کردیم و به هیچ وجه برخاسته از یک حرکت خودجوش مردمی که مبتنی بر یک آگاهی و وجدان عمومی در جامعه ایران باشد، نیست.

آیا می‌شود این نظر را مورد تأیید قرار داد که مراسمی که در شهرهای گوناگون برگزار شد، به نوعی نمایش قدرت از سوی حکومت در برابر معترضان بوده؟

بی‌تردید همین‌طور بود. حاکمیت تمام روش‌ها را تا امروز برای سرکوب و فرونشاندن اعتراض‌ها به کار برده است. به نظر می‌رسد که هم خود حاکمیت به این نتیجه رسیده و هم بیرون از حاکمیت، ناظران داخلی و خارجی، که این روش‌ها موثر نبوده است. [حاکمیت] تلاش می‌کند که بازی را به میدان دیگری بکشاند و از یک سری مقدسات که ممکن است در بخشی از جامعه ایرانی باشد، با تحریک احساسات سیاسی و اعتقادی به صحنه بکشد و سعی کند زمینه‌ای را فراهم کند برای سرکوب بیشتر جنبش و به ویژه دستگیری‌های قضائی امنیتی رهبران جنبش. «به نظر می‌رسد که هم خود حاکمیت به این نتیجه رسیده و هم بیرون از حاکمیت، ناظران داخلی و خارجی، که این روش‌ها موثر نبوده است. [حاکمیت] تلاش می‌کند که بازی را به میدان دیگری بکشاند و... زمینه‌ای را فراهم کند برای سرکوب بیشتر جنبش و به ویژه دستگیری‌های قضائی امنیتی رهبران جنبش.»

نکته مهم دیگر که وجود دارد این است که در طول تظاهرات پس از انتخابات، بارها و بارها عکس آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر کنونی، پاره شد. فارغ از این که بخوایم ارزش‌گذاری مثبت یا منفی کنیم، این مسئله بارها و بارها در اینترنت بود، عکس‌های متعددی از این منتشر شده و هیچگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی به این صرافت نیافتاد که از این مسئله پروپاگاندای سیاسی درست کند. نکته مهم این است که خود آن‌ها به این نکته پی برده‌اند که رهبری کنونی آنقدر دارای محبوبیت و جایگاه در تمامی توده‌ها نیست که اگر عکس ایشان پاره شود، بتواند حساسیت‌های اجتماعی را برانگیزد.

نقش علما و مراجع ندارند، از اختلاف سلیقه و دیگرها برای تشریح اختلافات درونی و رویارویی علما و شخصیت‌های نظام نهایت سوء استفاده را داشته باشند. رفع این آسیبها و ایجاد هماهنگی و انسجام در این عرصه، اهمیتی ویژه‌ای دارد". منبع: علی پویان- روز آن لاین

موسوی، کروبی:

درخواست دریافت مجوز راهپیمایی

مهدی کروبی، یکی از نامزدهای معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری، روز دوشنبه اعلام کرد که او و میرحسین موسوی، یکی دیگر از نامزدهای معترض به انتخابات ۲۲ خرداد، خواستار دریافت مجوز راهپیمایی می‌شوند. به گزارش سایت «تعبیر»، ارگان حزب اعتماد ملی ایران، آقای کروبی هدف از برگزاری این راهپیمایی مسالمت‌آمیز را محکوم کردن اقداماتی مانند پاره کردن تصویر آیت‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، اعلام کرد. وی همچنین انتشار پاره شدن تصویر آیت‌الله خمینی از تلویزیون دولتی ایران و اتفاقاتی را که پس از آن روی داد، محکوم کرد.

مهدی کروبی درباره راهپیمایی مورد نظر او و میرحسین موسوی گفت: «گرچه برای راه پیمایی مسالمت‌آمیز، طبق اصل ۲۷ قانون اساسی نباید درخواست مجوز داد، اما با توجه به شرایط امروز، و این که نمی‌خواهیم به مردم آسیبی برسد، از وزارت کشور درخواست مجوز می‌کنیم.»

مهدی کروبی همچنین گفت: «در صورت مخالفت وزارت کشور، ما نمی‌توانیم عواقب حضور خودجوش مردم را بر عهده بگیریم و هر اتفاقی که برای مردم بیفتد، مسئولیتش متوجه آقایان است.»

طرفداران دولت در خیابان‌ها

تا امروز تمام روش‌های سرکوب را استفاده کردند، موثر نبود

مجمع روحانیون مبارز، مهم‌ترین تشکل روحانی اصلاح طلبان ایران، با صدور بیانیه‌ای خواستار صدور مجوز برای برگزاری «راهپیمایی با شکوه» در اعتراض به پاره کردن عکس آیت‌الله خمینی شد. این تازه‌ترین واکنش مخالفان دولت به موضوع پاره شدن عکس آیت‌الله خمینی و نمایش آن در تلویزیون دولتی ایران است.

مجمع روحانیون مبارز پاره کردن عکس بنیانگذار جمهوری اسلامی را به افراد «مغرض و بیمار» نسبت داده است که به گفته آن، «تاب دیدن آفتاب درخشان وجود امام را نداشته و ندارند». هواداران دولت با محوریت این موضوع در روزهای گذشته به تندی علیه معترضان سخن گفته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز به این موضوع واکنش نشان داده است.

با این همه منتقدان، معترضان و مخالفان دولت این موضوع را بهانه‌ای برای سرکوب دولتی، انجام حملات بعدی و یا حتی دستگیری رهبران مخالفت در ایران دانسته‌اند. مجمع روحانیون مبارز نیز در پاسخ به این انتقادات در بیانیه خود گفته است: «درخواست یک راهپیمایی با شکوه برای نشان دادن دلبستگی



میرحسین موسوی در عین حال بر ادامه اعتراض‌های مسالمت‌آمیز تأکید کرده و افزود: «از این پس نیز همه اعتراضات و مطالبات باید از راه‌های مسالمت‌آمیز و قانونی پیگیری شود و نباید کسی از ما بهانه به دست مخالفان مردم بردیم».

وی از حامیان جنبش سبز خواست، خود را برای پیمودن «مسیری طولانی» آماده کنند، چرا که به گفته آقای موسوی «شرط پیمودن راه سبز حوصله و تحمل است. ما باید تلاش برای پیش رفتن در این راه را جزو برنامه زندگی خود قرار دهیم و همین فعالیت شبکه‌ای و ارتباطی را که داریم ادامه دهیم».

آخرین نخست‌وزیر ایران در عین حال خاطر نشان ساخت: «سبز بودن و سبز شدن مختص هیچ کس و هیچ گروهی نیست و رنگ سبز ریشه در تاریخ و ملیت و فرهنگ ما دارد. هر کسی به هر اندازه که به آرمان‌های ملت پایبند باشد و به عقلانیت و عدالت بها دهد، حتی اگر از مخالفان ما باشد، سبز است».

میرحسین موسوی همچنین حکمرانان جمهوری اسلامی را به عمل بر اساس برداشت نادرستی از اسلام و قانون اساسی متهم کرد که به موجب آن «برخی خودی و دیگران را غیر خودی» تلقی کرده و واژه «ملت» را تنها برای «خودی‌ها» به کار می‌برند.

وی همچنین افزود: «منی شود با تفسیرهای من در آوردی، بخش‌هایی از این قانون اساسی را که مربوط به پذیرش تنوع و تکثر مردم است کنار بگذاریم. پیام راه سبز به مردم این است که شما با هم دوست هستید و می‌توانید در کنار هم به رعم تنوع و تکثرتان زندگی کنید».

آقای موسوی با هشدار نسبت به «بهانه دادن به مخالفان جنبش سبز برای سرکوب بیشتر» به ماجرای نشان دادن تصویری پاره شده از بنیانگذار جمهوری اسلامی در تلویزیون ایران اشاره کرد و گفت: «اگر امروز می‌بینیم صدا و سیما ما تصویر عکسی پاره شده از حضرت امام پخش می‌کند و در آن سو، تلویزیون صدای آمریکا تصویر می‌نشان می‌دهد که فردی در جایی نامعلوم، با فندک عکس امام را آتش می‌زند، این مسئله نشان دهنده این واقعیت تلخ است که عده‌ای در داخل و خارج برای شکستن ساختارهای اولیه انقلاب و گذشتن از آن همسو شده‌اند».

در روزهای اخیر بسیاری از حامیان دولت و از جمله رهبر جمهوری اسلامی پاره کردن تصویر آیت‌الله خمینی را به حامیان جنبش سبز و نامزدهای معترض به نتایج انتخابات نسبت داده و به شدت به آنها تاخته‌اند.

آقای میرحسین موسوی پیشتر نشان دادن این تصویر از سیما جمهوری اسلامی را اقدامی مشکوک دانسته و به شدت از آن انتقاد کرده بود.

دانشجو گاز اشک‌آور ندارد

آقای موسوی همچنین در باره رویدادهای روز دانشجو و سرکوب شدید تظاهرات دانشجویان توسط نیروهای امنیتی و بسیج اظهار داشت: «نیروهای غیردانشگاهی را با چوب و چماق وارد دانشگاه می‌کنند و در رسانه خودشان آنها را دانشجو می‌نامند و بعد می‌گویند دانشجویان به هم گاز اشک‌آور پرتاب کردند. معنی این کار جز فریب مردم چیزی نیست. گاز اشک‌آور در دست دانشجو چه می‌کند؟ دانشجویان ما حتی گارد میوه هم در جیب خود نمی‌گذارند تا مبادا کسی متهشان کند. حداقل صداقت داشته باشند و بگویند برای مهار و کنترل اعتراضات از بیرون نیرو وارد کردیم. این صداقت را مردم بیشتر می‌پسندند».

وی در بخش دیگری از سخنان خود یک بار دیگر از بازداشت شمار زیادی از فعالان و حامیان جنبش سبز پس از انتخابات انتقاد کرده و با یادآوری خدمات برخی از این افراد از جمله بهزاد نبوی به جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته اظهار داشت: «خیلی از این عزیزان را روز بیست و سوم (خرداد) گرفته‌اند که هنوز هیچ اعتراضی در کشور به وجود نیامده بود. هرچند بر آن اعتراضات هم هرگز نمی‌توان نام آشوب نهاد. آنچه اتفاق افتاد راهپیمایی عظیمی در سکوت بود که برخی نام آن را اعتناش گذاشته‌اند».

آقای موسوی همچنین در باره محاکمه دسته‌جمعی بازداشت‌شدگان گفت: «در دادگاه‌هایی که پس از انتخابات برگزار شد، دیدیم که بیش از صد نفر را با تنوع و گونه‌های مختلف فکری و سیاسی کنار هم چیده‌اند تا به خیال خود القا کنند که همه اینان هم سرنوشت و هم سو هستند. آنها را که برای انقلاب زحمت کشیده‌اند و برای آن شهید داده‌اند، نشانند کنار کسانی که اتهامشان سلطنت‌طلبی است و حتی ماه‌ها پیش از انتخابات دستگیر شده بودند».

آقای میرحسین موسوی در پایان سخنان خود به تمجید از حمایت‌های آیت‌الله سید علی‌محمد دستغیب، نماینده استان فارس در مجلس خبرگان رهبری، از جنبش سبز پرداخته و از دیگر مراجع تقلید نیز خواست: «آنچه را حق تشخیص می‌دهند، با مردم در میان بگذارند».

شدت گرفتن حملات علیه رهبران مخالفان دولت در ایران

با گذشت پنج روز از اعتراضات روز دانشجو در ایران، بر شدت حملات علیه رهبران جنبش اعتراضی این کشور و بر دامنه این حملات افزوده شده است.

مجتبی ذوالنور، جانشین نماینده آیت الله علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز دوشنبه ۲۳ آذر (۱۴ دسامبر) در یک سخنرانی در تهران گفت که مقدمه برخورد با «سران آشوب» باید فراهم شد.

او گفت: «به سران فتنه می‌گویم که شما با پنهان شدن پشت سر شعار خط امامی بودن از احساسات مقدس مردم سوءاستفاده کردید».

هواداران دولت ایران و نزدیکان آیت الله خامنه‌ای اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری در این کشور را «فتنه» و چهره‌هایی همچون میرحسین موسوی، مهدی کروبی، محمد خاتمی و اکبر هاشمی رفسنجانی را «سران فتنه» می‌خوانند.

دیدار شهریورماه

آقای ذوالنور گفته است که در نیمه دوم شهریورماه گروهی از «خواص» به دیدار یکی از نامزدهای جناح اصلاح طلب در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران رفته‌اند و از او خواسته‌اند که «چند کلمه آرام» صحبت کند تا آنها هم واسطه شوند و بحران حل شود.

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه بدون اینکه از این نامزد اصلاح طلب نام ببرد، گفت که او «با تکبر» پیشنهاد این گروه از خواص را رد کرده و گفته است که تکلیف همه چیز پس از بازگشایی دانشگاه‌ها مشخص خواهد شد. علیرضا بهشتی که سناد قاچاق آدم تشکیل داده و شهدای جنبش سبز اموی را به دروغ فهرست می‌کند... وقتی با وثیقه آزاد می‌شود، برخی منصوبین امام برای دیدن او چنان برنامه ریزی می‌کنند که اذان صبح در منزل او باشند

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه آقای ذوالنور در اشاره به اعتراضات روز دانشجو و آنچه به عنوان «اهانت» به عکس آیت الله خمینی در تلویزیون ایران پخش شد، گفت که دستگاه‌های قانونی حق ندارند با «اهانت کنندگان» و «اشوبگران» با مسامحه برخورد کنند. او با اشاره به سخنرانی‌ای که اکبر هاشمی رفسنجانی در یکی از نماز جمعه‌های پس از انتخابات ایراد کرد، به تندی از نحوه حضور معترضان در آن نماز جمعه انتقاد کرد و تلویحا خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی گفت: فرزندان متخلف خود را از کشور فراری ندهید.

به نظر می‌رسد اشاره آقای ذوالنور به خروج مهدی هاشمی، پسر آقای هاشمی رفسنجانی از ایران، پس از متهم شدن به سازماندهی اعتراضات پس از انتخابات باشد.

حمله به موسسه نشر آثار آیت الله خمینی

آقای ذوالنور دامنه حملات خود را به موسسه تنظیم و نشر آثار و اعضای خانواده آیت الله خمینی گسترش داد و گفت که موسسه مذکور به محل تجمع «مناقان امروز» تبدیل شده است که از «سران آشوب» حمایت می‌کنند.

او هشدار داد که «برخی بستگان امام» در حال هضم شدن در جنبش اعتراضی ایران هستند.

همزمان با سخنرانی آقای ذوالنور، در مرقد آیت الله خمینی هم مراسمی برگزار می‌شد که روح الله حسینیان، یکی از سرشناس‌ترین نمایندگان هوادار دولت در مجلس ایران از جمله سخنرانان آن بود.

آقای حسینیان هم به آقایان موسوی، کروبی، خاتمی و هاشمی حمله کرده و گفته است که آنها «کوچک‌تر» از آن هستند که با آنها مبارزه شود.

آقای هاشمی! تو بارها آمدی بعد از فتنه اخیر به رهبر خیانت کردی و در جلسات داخلی، خود را مرید رهبر خواندی، اما در مشهد کینه خود را نشان دادی و گفتی که اگر مردم نخواهند، باید برویم. مردم تو را نمی‌خواهند

روح الله حسینیان

او خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی گفته است: «تو بعد از فتنه اخیر بارها به رهبری خیانت کردی و در جلسات داخلی، خود را مرید رهبر خواندی، اما در مشهد کینه خود را نشان دادی و گفتی که اگر مردم نخواهند، باید برویم. مردم تو را نمی‌خواهند و بارها با شعارهای خود نشان داده‌اند که دیگر در قلوب مردم جایگاهی نداری».

او به حسن خمینی، نوه آیت الله خمینی و تولیت مرقد او انتقاد کرد که در مقابل شعارهایی مثل «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی» یا «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» بی‌جهت سکوت کرده و به آقایان خاتمی و موسوی نزدیک شده است.

سکوت و خروج

در این حال سایت «خبر آنلاین» گزارش داده است که زهرا مصطفوی، دختر بزرگ آیت الله خمینی در مقابل سؤال خبرنگار این رسانه که از او در مورد «اهانت» به تصویر پدرش سؤال کرده بود، گفته است: «به عنوان فرزند امام، بهتر است سکوت کنم و حرفی نزنم».

در نامه سرگشاده‌ای هم که از سوی انجمن‌های اسلامی دانشجویان ۷ دانشگاه ایران در سایت خبرگزاری فارس منتشر شده است، خطاب به حسن خمینی آمده است: «حد اقل انتظار از جنابعالی این بود که به موضع‌گیری می‌پرداختی... و فتنه‌گران و آشوبگران را محکوم می‌کردی، اما در کمال تعجب شنیدیم که جنابعالی در حرکتی غیر قابل انتظار، از کشور خارج شده‌اید».

موسسه حفظ و نشر آثار آیت الله خمینی که زیر نظر حسن خمینی اداره می‌شود، پس از انتشار تصاویر مربوط به عکس پاره شده بنیانگذار جمهوری اسلامی از تلویزیون ایران، به انتشار این تصاویر انتقاد و در مورد اصالت تصاویر ابراز تردید کرد.

رهبران جنبش اعتراضی ایران هم با صدور بیانیتهایی «اهانت» به آیت الله خمینی و انتشار آن توسط تلویزیون ایران را محکوم کردند و دست داشتن دانشجویان معترض در این اقدام را بعید خواندند.

دورنمای تازه اعتراضات در ایران

اظهار نظر های پس از اعتراضات دانشجویی 16 آذر در دانشگاه های ایران نشان دهنده ارزیابی های تازه ای درباره شرایط اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری است.

گفته های رهبران ایران نشان دهنده نگرانی از ادامه اعتراضات و اقدامات تازه برای مقابله با آن است. فعالان سیاسی و ناظران مستقل هم به تند شدن شعارها و افزایش سهم رهبران دانشجویی در پیشبرد اعتراضات اشاره کرده اند. در اعتراضات 16 آذر چهره های کمتر شناخته شده ای از دانشجویان معترض به جای چهره های شناخته شده تری که بارها به زندان رفته اند در اعتراضات سخنرانی می کردند.

پشنوید

چهره های معترضی که برخی در چند روز گذشته در تهران و دیگر شهرهای ایران بازداشت شده اند. مجید توکلی یکی از رهبران اعتراضات دانشجویان در دانشگاه پلی تکنیک چنان که در یک ویدیوی منتشر شده در شبکه های اجتماعی دیده می شود در سخنرانی در روز 16 آذر گفت که "ما امروز اینجایم تا اعتراض مان را بر سر همه مستبدان و مستکبران جامعه و در رأس آنها آقای خامنه ای فریاد بزنیم."

رسانه های دولتی ایران از محدود بودن اعتراضات خبر دادند و معترضان را اعتشاشگر نامیدند اما ناظران معتقدند که ابعاد برخورد سرکوب گرانه در دانشگاه هیچگاه تا این حد گسترده نبوده است.

بعد از این سخنرانی آقای توکلی بازداشت شد و به گفته فعالان حقوق بشر مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این رخداد و موارد نظیر آن سبب شده است تا ناظران تحولات سیاسی در ایران بر افزایش سهم و اهمیت جنبش دانشجویی در کل جریان جنبش اعتراضی تاکید کنند. بهاره هدایت یکی از فعالان دانشجویی در پیامی که از ایران برای یک سمینار همبستگی با دانشجویان ایران در هلند فرستاده است به موقعیت خاص جنبش دانشجویی در ایران اشاره کرده است.

به گفته خانم هدایت در نبود احزاب و رسانه های مستقل در ایران و در شرایط سانسور گسترده اعتراضات دانشجویی اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

یک ویدیوی دیگر سخنرانی دانشجویان در دانشگاهی در تهران را نشان می دهد که با شدت رهبران جمهوری اسلامی را مورد مواخذه قرار می دهد.

به دلیل وجود چنین فضایی است که ناظرانی مانند احمد سلیمان معتقدند که حرکت اعتراضی در 16 آذر نسبت به تجمع های اعتراضی پیش از آن چند تنگتری داشت.

رسانه های دولتی ایران از محدود بودن اعتراضات خبر دادند و معترضان را اعتشاشگر نامیدند اما ناظران معتقدند که ابعاد برخورد سرکوب گرانه در دانشگاه هیچگاه تا این حد گسترده نبوده است.

حسین لاجوردی، پژوهشگر در پاریس، می گوید اقدام به نمایش تصویر مربوط به پاره کردن یا سوزاندن عکس های آیت الله خمینی با این هدف است که گسترده گی اعتراضات و تند شدن شعارها تحت تاثیر تبلیغات نادیده گرفته شود.

گسترده گی اعتراضات در سطح کشور جنبه دیگری است که توجه کارشناسان را جلب کرده و آن را نشانه ای از تحول در سازمان دهی جنبش اعتراضی در ایران می داند. همچنین تحولات پس از روز 16 آذر بار دیگر برای گروهی از مخالفان دولت ایران بحث در باره سرانجام حکومت ایران را زنده کرده است.

علی اصغر حاج سید جواد نویسنده ایرانی که در پاریس به سر می برد در گفت و گویی با بخش فارسی بی بی سی می گوید: "نشانه ها حاکی از به بن بست رسیدن جمهوری اسلامی است که باید به یک راه حل پایان بخش مانند همه پرسی تن دهد."

یک دانشجوی معترض ایرانی که خواست نامش فاش نشود به بی بی سی فارسی می گوید که بیشتر دانشجویان معترض در ایران خواسته ای بیش از آنچه از سوی رهبران اعتراضات مطرح شده مطرح نکرده اند اما کاربرد خشونت علیه دانشجویان باعث شده است تا شعارهای دانشجویان لحن تند تری بگیرد.

در این شرایط ارزیابی گروهی از کارشناسان این است که اعتراضات 16 آذر هم دانشجویان معترض و هم رهبران اعتراضات را در شرایط تازه ای قرار داده است.

منبع: علی اصغر رمضان پور- بی بی سی

۷ هزار بسیجی به نام دانشجوی دانشگاه

تهران

پارلمان نیز به نقل از داوود دشتیانی سخنگوی سابق انجمن اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو ارشد انجمن نوشت: "ما توانستیم منشا افرادی را که به عنوان دانشجویان هوادار دولت در دانشگاه حضور یافته اند و با دانشجویان درگیر شده اند را پیدا کنیم و مشخص شد که آنها با کارت ورود به جشن غدیریه آقای سعید حدادیان (رئیس بسیج و مسجد دانشگاه تهران)، وارد دانشگاه شده اند."

دشتیانی افزود: "این عده در دانشگاه برای خود حکومت مستقلی تشکیل داده اند و هیچ کس بر کارهای شان تسلط ندارد. به دعوت آقای حدادیان هفت هزار نیرو وارد دانشگاه شده اند و این در حالی است که مسئولین دانشگاه اعلام کرده اند که ایشان قصد دعوت از تعداد بیشتری یعنی در حدود 15 هزار نفر را داشته اند که به توصیه مسئولین این تعداد را به هفت هزار نفر کاهش داده اند."

در همین حال شاهدان عینی فضای دانشگاه تهران و خیابان های اطراف این دانشگاه را تا شامگاه گذشته ملتهب توصیف می کنند. سایت های مستقل خبری در گزارش های خود، از حضور دانشجویان هوادار جنبش سبز خبر داده اند که با حمل پلاکاردهایی با تصویر آیت الله خمینی و با سر دادن شعارهایی مانند "خمینی کجایی، موسوی تنها شده" نسبت به تحصن سازمان یافته بسیجیان واکنش نشان داده اند.

این شاهدان، همچنین از حضور گسترده نیروهای انتظامی در حوالی دو میدان انقلاب و آزادی خبر داده اند.

تجمع هواداران موسوی در دانشگاه تهران در واکنشی دیگر، سایت کلمه، پایگاه خبری نزدیک به میر حسین موسوی دیروز در خبری اعلام کرد که روز دوشنبه (امروز) جمعی در داخل دانشگاه تهران و در حمایت از میرحسین موسوی برگزار می شود.

کلمه که شامگاه یکشنبه از احتمال برخورد با میرحسین موسوی و تعطیلی خود خبر داده بود، در گزارش خود نوشت که "انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران روز دوشنبه این هفته ۲۳ آذر ماه، پس از کسب مجوزهای قانونی لازم، گردمایی بزرگ اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران را به مناسبت روز دانشجو با عنوان "به لحظه لحظه این روزهای سرخ قسم که بوی سبزترین فصل سال می آید"، در تالار شهید چمران دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار خواهد کرد."

کلمه خاطر نشان کرد: "این همایش در اعتراض به حمله و هتک حرمت دانشگاه در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، ۱۶ و ۱۷ آذر ۱۳۸۸، ورود نیروهای غیر دانشجو به دانشگاه تهران و ضرب و شتم دانشجویان، پافشاری چندباره بر استعفای فرهاد رهبر به عنوان خواست دانشجویان، اعتراض به فضای بسته و اختناق موجود در فضای کشور پس از انتخابات، مستمسک قرار دادن عکس امام برای عبور از منش و اخلاق سیاسی امام راحل و محکوم کردن برخوردهای امنیتی، قضایی و انضباطی با فریختگان و فرزندان ملت برگزار خواهد شد."

راههای سبز



بنا به نوشته این سایت چهره هایی چون محمد رضا بهشتی، علی شکوری راد، الهه کولایی، حمیدرضا جلابی پور، محسن رحامی، نجفقلی حبیبی، محمدرضا ظفرقندی، غلامرضا ظریفیان و ... در این تجمع حضور خواهند داشت.

آغاز تحصن اعتراض آمیز دانشجویان علم و صنعت همزمان، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت تهران در بیانیه ای اعلام کرده اند که تا زمان آزادی هم کلاسی های شان در محوطه این دانشگاه تحصن اعتراض آمیز کرده و کلاس های درس را تحریم می کنند.

به گزارش سایت رویداد در بیانیه این دانشجویان آمده است: "ما دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، تا آزادی تمام دانشجویان اسپر زندان های ظلمت استبداد و خارج شدن تمامی دانشگاهها از حالت نظامی و خروج نیروهای مزدور از دانشگاهها، کلاسها را تحریم و تجمع اعتراضی خود را هر روز از ساعت 12:30 بالای سلف اساتید آغاز می کنیم. از یکشنبه 22 آذر، تا آزادی تمام همکلاسی هایمان، کلاسها را تحریم می کنیم."

بر پایه این گزارش، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، زندانی شدن 10 دانشجو در زندان اوین، حمله بسیج به دانشگاه و بازداشت برادر کیانوش آسا و خانواده دیگر جان باختگان را از جمله دلایل تحصن خود اعلام کرده اند.

تایمز: چاشنی بمب و راه حل اتمی

مشکلات داخلی ایران

روزنامه بریتانیایی تایمز در گزارش هایی به امکان تلاش دولت ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی و بهره برداری از مناقشه هسته ای برای غلبه بر بحران سیاسی داخلی پرداخته است.

یکی از مقالات مربوط به ایران در شماره روز دوشنبه، 14 سپتامبر (23 آذر) روزنامه تایمز با عنوان "سند سری ماشه اتمی ایران را افشا می کند" چاپ شده و در آن آمده است که اسناد اطلاعاتی محرمانه ای که این روزنامه به آنها دست یافته نشان می دهد که ایران در صدد آزمایش یکی از قطعات کلیدی و نهایی مورد استفاده در بمب اتمی است.

تایمز در ادامه می افزاید که یادداشت های مربوط به این طرح بسیار حساس نظامی شامل شرح یک برنامه چهارساله برای آزمایش آغازگر نوترونی (Neutron Initiator) است که

به عنوان ماشه انفجاری در بمب اتمی کاربرد دارد و سازمان های اطلاعاتی خارجی گفته اند که این طرح در سال 2007، یعنی چهار سال پس از زمانی آغاز شد که تصور می رفت ایران برنامه های تسلیحات اتمی خود را کنار گذاشته است و این اطلاعات از سوی یک منبع اطلاعاتی آسیایی هم تایید شده که به تایمز گفته است که دولت او نیز اعتقاد دارد که این برنامه در حدود سال 2007 شروع شد.

این روزنامه با ارائه اطلاعاتی فنی در مورد برنامه ساخت ماشه انفجاری بمب اتمی در ایران، می نویسد که طرحی که در خلال دو سال اخیر در ایران جریان داشته دارای هیچگونه کاربرد غیر نظامی نیست و به آزمایش با موادی اختصاص دارد که در ساخت بمب اتمی پاکستان هم به کار رفت در حالیکه ایران نقشه های ساخت تسلیحات اتمی خود را از منابع پاکستانی دریافت داشته است. تایمز می افزاید که این اطلاعات مورد بررسی سازمان های اطلاعاتی چند کشور غربی قرار گرفته و به گفته یکی از مقامات ارشد آژانس بین المللی انرژی اتمی، به این نهاد وابسته به سازمان ملل هم منتقل شده است.

به نوشته این روزنامه، سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا در پاسخ به سوال تایمز در مورد فعالیت مشکوک ایران گفته است که این وزارتخانه علی الاصول از اظهار نظر در باره گزارش های اطلاعاتی خودداری می ورزد اما نگرانی های دولت بریتانیا در مورد برنامه های اتمی ایران آشکار است و اگر گزارش اطلاعاتی مورد اشاره تایمز صحیح باشد، قطعا سنوالاتی جدی را در مورد نیات دولت ایران مطرح خواهد ساخت.



سخنگوی دولت اسرائیل نیز در پاسخ به سؤال **تایمز** گفته است که اسرائیل به شکلی فزاینده در مورد برنامه هسته ای ایران و نیت واقعی دولت این کشور احساس نگرانی می کند.

تایمز در ادامه این گزارش می نویسد که افشای اطلاعات جدید قطعاً باعث افزایش فشار برای تشدید مجازات های بین المللی علیه ایران خواهد شد و به نقل از یک کارشناس موسسه جلوگیری از گسترش تسلیحات اتمی می افزاید که تکان دهنده ترین نکته در مورد این اطلاعات این است که اگر برنامه ساخت و آزمایش ماشه هسته ای در سال 2007، یعنی همزمان با تلاش جامعه بین المللی برای یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای بحران اتمی ایران، آغاز شده باشد، اقدام دولت این کشور واکنشی خصمانه را موجه جلوه می دهد زیرا اگر ایران در صدد ساخت اسلحه اتمی باشد، تلاش برای یافتن راه حلی مسالمت آمیز دیگر معنا ندارد.

تایمز در ادامه این گزارش به نقل از کارشناسان اطلاعاتی می نویسد که ایران در سال 2003 به فن آوری ساخت بمب اتمی دست یافته بود اما باید به آزمایش قطعات سازنده بمب دست بزند تا از کارکرد آنها اطمینان حاصل کند و در حال حاضر، اگرچه مواد اتمی لازم برای این نوع آزمایش ها را در اختیار ندارد، اما از توانایی تولید اورانیوم با غلظت لازم برای استفاده در بمب اتمی برخوردار است. **تایمز** در پایان این گزارش می نویسد که اگر اطلاعاتی که به دست آورده صحت داشته باشد، باید آن را نشانده ادامه برنامه تسلیحاتی اتمی در ایران تلقی کرد هرچند دولت این کشور همواره ابعاد نظامی برنامه های هسته ای خود را انکار کرده است.

برنامه اتمی برای حل بحران سیاسی

تایمز در همین شماره مطلبی را هم با عنوان "احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران برای جلب حمایت مردم پراکنده کارت هسته ای را رو می کند" به انگیزه های سیاسی رهبران جمهوری اسلامی از ادامه برنامه اتمی در شرایط کنونی این کشور اختصاص داده است.

در این مقاله آمده است که محمود احمدی نژاد، که با مخالفت متوقف نشدن داخلی و اقتصاد در شرف فروپاشی مواجه است، می گوید با بهره برداری از مناقشه اتمی، ملتی را که پراکنده شده اند در پشت دولت گرد آورد و با به چالش کشیدن غرب، رد پیشنهاد مصالحه و وعده های - البته غیر عملی - ساخت واحدهای جدید غنی سازی اورانیوم، امیدوار است تا ملت را به هیجان آورد و به این ترتیب، فکر مردم ایران را از مشکلات عمیق داخلی منحرف سازد.

به نوشته این روزنامه، البته برنامه اتمی حتی در میان نخبگان غربگرای ایران طرفدارانی داشته هرچند این سؤال که هدف از این برنامه تولید برق است یا ساخت اسلحه اتمی کمتر به طور علنی مورد بحث قرار می گیرد و البته هیچیک از نامزدهای شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری در ماه ژوئن نیز خواستار توقف برنامه های اتمی این کشور نشد.

تایمز این نظر شیرین عبادی، حقوقدان ایرانی برنده جایزه نوبل، را نقل می کند که گفته بود برنامه اتمی، جدای از اینکه از نظر اقتصادی موجه است، به عامل غرور ملی برای یک ملت کهنسال با تاریخی شگوه مند تبدیل شده و هیچ دولتی در ایران، بدون توجه به ایندولوری و میزان گرایش به دموکراسی، جرات ندارد این برنامه را متوقف کند.

این روزنامه در عین حال می نویسد که در سال جاری، این وضعیت تغییر یافته و ممکن است کارت اتمی آقای احمدی نژاد، اهمیت خود را در صحنه داخلی ایران از دست داده باشد و با توجه به اینکه تورم و بیکاری بیداد می کند، کارخانه ها بسته می شود و نا آرامی صنعتی گسترش می یابد، ایرانیان سنوالاتی را در مورد هزینه برنامه های اتمی مطرح می کنند و اخیراً کارگران با تغییر شعار "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" پلاکاردهایی را با شعار "انان حق مسلم ماست" حمل کرده اند در حالیکه شرایط معاش مردم با اجرای برنامه آقای احمدی نژاد برای حذف پاره ناه ها، که هدف از آن صرفه جویی در بودجه

دولتی است، و خیم تر خواهد شد.

تایمز می افزاید که نتیجه انتخابات ریاست جمهوری باعث شد تا فعالان برجسته سیاسی ایران سنوالاتی را در مورد هزینه ادامه تهاجمی برنامه اتمی مطرح کنند و با توجه به بیرحمی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب مردم خود در داخل در جریانات بعد از انتخابات، برخی جناح های اصلاح طلب جنبش سبز از خود می پرسند که آیا می توان با اطمینان خاطر، اسلحه اتمی را به دست آقای احمدی نژاد و آیت الله خامنه ای داد؟ و به همین دلیل هم در جریان تظاهرات اخیر در تهران، شعار 'جنبش سبز ایران بمب اتم نمی خواهد' شنیده شد. این روزنامه می نویسد برخی مقامات دولتی ایران از جمله آقای احمدی نژاد معتقدند که تشدید تحریم خارجی و فشار بر مردم باعث وحدت ملی می شود. **تایمز** در پایان این گزارش، به نقل از یکی از استادان ایرانی دانشگاه در بریتانیا می نویسد که ممکن است رژیم از تشدید تحریم صرفاً به دلیل برنامه اتمی به نفع خود سوء استفاده کند و به مردم بگوید که خارجیان آنان را برای حمایت از امنیت غرب و اسرائیل تشویه کرده اند. این استاد ایرانی می افزاید که بخشی از انگیزه تحریم های بین المللی باید در واکنش نسبت به اقدام رژیم در نقض حقوق بشر و جلوگیری از دموکراسی وضع شود تا ایرانیان بداندند که رنجی که تحمل می کنند، برای هدفی مفید است. در شماره روز دوشنبه روزنامه **تایمز** مطلب دیگری هم در مورد تشکیلات هسته ای ایران انتشار یافته که در آن نوشته یادداشت هایی به دست آمده که در آنها، برای اولین بار از محسن فخری زاده به عنوان رئیس موسسه ای به نام مرکز آمادگی و فن آوری نوین پیشرفته دفاعی (فدات) نام برده شده است.

این روزنامه می نویسد که یادداشتی که در اختیار دارد به 29 دسامبر سال 2005 بای می گردد و برای رئیسبان دوازده بخش مختلف فدات ارسال شده است. **تایمز** سپس اطلاعاتی در مورد آقای فخری زاده منتشر می کند و می نویسد که این شخص مدرس فیزیک و از فرماندهان سابق سپاه پاسدار است و یکی از خادمان وفادار رژیم محسوب می شود که بر اساس قطعنامه مصوب شورای امنیت، مشمول ممنوعیت سفر به خارج و مسدود شدن اموال شخصی شده است.

جانشین ولی فقیه در سپاه:

موسسه نشر آثار «امام» پایگاه منافقین است

مجتبی ذوالنور در تجمع روز دوشنبه شماری از کارکنان ریاست جمهوری در اعتراض به آنچه «هتک حرمت» آیت الله خمینی در روز دانشجو خوانده شد، از موضع موسسه تنظیم و نشر آثار رهبر پیشین جمهوری اسلامی در باره نشان دادن تصویری پاره شده از وی در سیمای جمهوری اسلامی به شدت انتقاد کرد.

جانشین نماینده آیت الله علی خامنه ای در سپاه پاسداران در این باره اظهار داشت: «موسسه نشر آثار امام به جایگاه تجمع منافقین تبدیل شده و مشخص نیست چرا در هر آشوبی سران آن را ساپورت می کنند و زمانی که شورای نگهبان صلاحیت لیبرال ها را برای انتخابات رد می کند موسسه نشر امام به دفاع از آنها می پردازد.»

جنجال بر سر تصویر آیت الله خمینی پس از آن آغاز شد که تلویزیون دولتی ایران در روزهای اخیر به طور مرتب تصویری از پاره کردن عکس آیت الله خمینی را پخش کرد و آن را به دانشجویانی نسبت داد که در روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۸ آذر در دانشگاه های تهران و برخی از شهرهای بزرگ ایران دست به اعتراض زده بودند.

مهدی کروی و میر حسین موسوی همراه با برخی از مراجع تقلید نزدیک به اصلاح طلبان، محمد خاتمی، رئیس جمهور پیشین ایران و همچنین دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خمینی، پاره کردن عکس رهبر پیشین ایران و همچنین نمایش آن در تلویزیون دولتی را «اقدامی مشکوک» دانستند. مخالفان دولت می گویند، هدف رسانه های دولتی از دامن زدن به این بحران، انحراف افکار عمومی از اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری است که

همچنان ادامه دارد. این در حالی است که جانشین نماینده رهبر جمهوری اسلامی در سپاه پاسداران با تاکید بر این که حامیان نامزدهای اصلاح طلب تصویر آیت الله خمینی را پاره کرده اند، به سخنان میرحسین موسوی و مهدی کروی اشاره کرده و گفته است: «پیام من به سران خود فروخته اغتشاشات این است که این خوراک را برای استکیار جهانی آماده و تهیه کرده اید و پرده نفاق در حوادث کنار خواهد رفت و حضور مردم نمی گذارد از لفظ خط امامی مخفی بمانید.»

وی افزوده است: «در روز قدس، ۱۳ آبان و ۱۶ آذر برجستارترین شعار مخالفان، جمهوری ایران و حذف اسلامی از نظام ماست، اگر این لفظ را جلوی دوربین بر زبان می آورند چگونه می توانید تطهیر کنید که اینها عکس امام را پاره نمی کنند؟»

در ادامه موضعگیری ها علیه دفتر نشر و تنظیم آثار آیت الله خمینی، حمید رسایی از نمایندگان طرفدار دولت در مجلس گفته است که برای بررسی «عملکرد نامناسب موسسه تنظیم و نشر آثار امام در حفظ و صیانت از اندیشه های امام» طرح تحقیق و تفحص ارائه می شود. مجتبی ذوالنور همچنین از دوران هشت ساله حاکمیت اصلاح طلبان در ایران با عنوان «دوران هشت ساله سپاه» و نیز «دوران سپاه خاتمی» نام برده و افزوده است: «در این دوره تمام تریبون ها و مطبوعات زنجیرهای را به میدان آورده بودند و تمام آرمان ها و اندیشه های امام راحل را مورد هجوم قرار دادند و روحیه تفکر، شهادت، خشونت را نقد کرده و نقض قرآن را در جراید خود منتشر کردند.» وی در عین حال دوران کنونی را مانند «زمان حضرت علی» دانست و افزود: «امروز کسانی که با امام نبودند و به آدرس عوضی رفته بوده و برای دنیای خودشان به امام چسبیده بودند زمانی که مشاهده می کنند نمی توانند نسبت به ارزش ها و آرمان های انقلاب مقابله کنند نسبت به شخص امام توهین می کنند.»

ذوالنور ادعا کرد که علیرضا بهشتی، پسر آیت الله بهشتی و از حامیان میرحسین موسوی، «بستاد قاچاق انسان» تشکیل داده است، تا به گفته وی «افراد را که به عنوان شهید سبز اموی معرفی شدند و به مرور زمان یکی یکی زنده شده و با مصاحبه های خود سران این جنبش را رسوا کردند، فراری دهد.»

جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با اشاره به برگزاری آخرین نماز جمعه تهران به امامت آیت الله رفسنجانی، خطاب به رئیس مجلس خبرگان رهبری نیز گفته است: «آیا شما به عنوان امام جمعه ندیدید دخترانی لاکززه که نشان می دهد تاکنون وضو نگرفته اند، با کفش نماز خوانده اند؟ صدای آنهایی را که علیه انقلاب شعار می دادند، در حالی که شما نماز می خواندید را شنیدید، با کدام طناب پوسیده به این چاه قدیمی می روید، از فساد اطرافیان خود دوری جست و فرزندان متخلف خود را از کشور فراری ندید.»

وی همچنین به معترضان به نتایج انتخابات هشدار داد، در صورتی که «رهبر اجازه دهد آنگاه مردم طومار سپاه شما را خواهند پیچید.»

در ادامه موضعگیری ها علیه دفتر نشر و تنظیم آثار آیت الله خمینی، حمید رسایی از نمایندگان طرفدار دولت در مجلس گفته است که برای بررسی «عملکرد نامناسب موسسه تنظیم و نشر آثار امام در حفظ و صیانت از اندیشه های امام» طرح تحقیق و تفحص ارائه می شود. به گفته نماینده یاد شده، «این موسسه سالانه بیش از ۱۰ میلیارد تومان اعتبارات دولتی دریافت می کند اما در مواقع حساس و بزنگاه ها نتوانسته از وظیفه خود یعنی حفاظت از اندیشه های امام به درستی دفاع کند و نه تنها در برابر این هجمه ها سکوت کرده بلکه به نفع جریانات ضد امام نیز وارد موضع گیری شده است.»

این انتقادها پس از آن مطرح می شود که حمید انصاری، قائم مقام موسسه تنظیم و نشر آثار آیت الله خمینی، روز پنجشنبه گذشته با انتشار نامه ای خطاب به رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی از «حرمت شکنی بی سابقه صدا و سیما نسبت به امام در تصاویر پخش شده» اعتراض کرد.



وزیر علوم از روسای دانشگاه ها و دیگر مسوولان دانشگاهی و وزارت علوم خواست «حال که حجت بر همگان تمام شده است به ندای امت اسلامی ایران پاسخ مثبت داده و با شناسایی و معرفی اهانت کنندگان به ساحت قدسی امام راحل، قاطعانه و بدون هیچ گونه ملاحظه بی با آنان برخورد قانونی صورت گیرد تا شاید مردم، تسامحی که تا به حال صورت گرفته را بر ما ببخشند.»

او افزود: «اکنون دیگر بحث نقد این گروه و آن سلیقه نیست. ماهیت و عمق توطئه مشخص و حجت بر همگان

تمام شده است. صف طاغوت و اسلام ناب و حق از باطل جدا شده و باطل، همه مقدسات این ملت و عمود خیمه اسلام را نشانه گرفته است و دیگر جای مسامحه و مجال دادن به دشمنان دین و مقدسات این ملت شریف نیست.»

وزیر علوم ادامه داد: «باید با درایت اما مقتدرانه، شجاعانه و قاطعانه چشم فتنه را کور کرد و به فضل الهی دانشگاهیان ما همان خواهند کرد که مردم شریف ایران اسلامی از آنها انتظار دارند، همانا طرد این عناصر ضدانقلاب و ضدنظام مقدس جمهوری اسلامی.»

کامران دانشجو گفت: «به خاطر داشته باشیم که این ملت در طول سه دهه انقلاب نشان داده اند اهل «لاف و گزاف» نیستند، صبورند اما زمانی که می خروشدند عمل می کنند و زمانی که می بارند سیل جاری می کنند پس بهتر است که مسوولان دانشگاه ها خودشان با این معدود افراد بازی خورده برخورد قانونی کنند چرا که اگر این ملت صبور خروشدند و سیل جاری شد دیگر از این خوش خیالان منتظر حمایت امریکا و انگلیس نه نامی باقی خواهد ماند و نه نشانی.»

قرار وثیقه و آخرین دفاع سحرخیز



صدر قرار وثیقه 50 میلیون تومانی برای اسماعیل صحابه و محمد حسین خوربک از سوی شعبه 3 بازپرسی دادسرای انقلاب، اخذ آخرین دفاعیه عیسی سحرخیز در شعبه سوم بازپرسی دادسرای انقلاب از دیگر خبرهای مربوط به زندانیان سیاسی و مطبوعاتی است.

شده و در ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی، این اقدام می تواند شش ماه تا دو سال حبس در پی داشته باشد.

سخنان دادستان تهران در حالی است که در تازترین واکنش ها، مجمع روحانیون مبارز، مهم ترین تشکل روحانی اصلاح طلبان ایران، با صدور بیانیه ای خواستار صدور مجوز برای برگزاری یک «راپیمایی باشکوه» در اعتراض به پاره کردن عکس آیت الله خمینی شد. پیشتر نیز برخی از اصلاح طلبان و نمایندگان جناح اقلیت در مجلس شورای اسلامی خواستار صدور مجوز برای راپیمایی «جنبش سبز» شده بودند تا به گفته آنها حامیان آیت الله خمینی برای اعتراض به این وضعیت به خیابان ها بیایند.

مهدی کروی و میرحسین موسوی همراه با برخی از مراجع تقلید نزدیک به اصلاح طلبان، محمد خاتمی، رئیس جمهور پیشین ایران، و نیز دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خمینی، یاره کردن عکس رهبر پیشین ایران را محکوم و از نمایش آن در تلویزیون دولتی انتقاد کرده اند.

دستور کامران دانشجو به روسای دانشگاه

ها:

حجت بر همگان تمام شده است

روزنامه اعتماد: کامران دانشجو به روسای دانشگاه ها هشدار داد، اگر خود با اهانت کنندگان برخورد قاطع نکنند، آنگاه مردم انقلاب خود وارد ماجرا شده و اقدام خواهند کرد. با گذشت چند روز پس از روز پرحاشیه دانشجو، وزیر علوم در محکم ترین موضع گیری خود، علاوه بر صدور دستور برخورد برای روسای دانشگاه ها، به دانشجویان هم هشدار داد: «هر کس رسم فرهیختگی را در دانشگاه ها به جا نیاورد دیگر در دانشگاه های ایران اسلامی جایی ندارد.»

دانشجو در مراسم افتتاح نمایشگاه دستاوردهای پژوهش و فناوری ترجیح داد درباره وقایع این روز صحبت کند و بگوید: «وقایع ۱۶ آذر تاسف بار بود، باید عرض کنم اگر دشمنان ایران اسلامی و دنباله های آن در داخل به خیال خام خود تصور کرده اند که دانشگاه ها می تواند عرصه جولان دادن آنها شود و با سر دادن شعارهایی همچون استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی یا نه شرقی، نه غربی، جمهوری ایرانی، اسلامیت نظام را هدف قرار داده و با اهانت به بزرگمرد تاریخ ایران و اسلام، دل ملت شریف ایران اسلامی را به درد آورند، بدانند که دانشگاهیان همچون تمامی مردم ولایت مدار جزء عاشقان امام راحلند و مکر آنها به خودشان برمی گردد.» به گزارش مهر، او ادامه صحبت خود را چنین پی گرفت: «آن عده معدودی که اسم فرهیختگی را بیدک می کشند و در پشت آن مخفی می شوند بدانند که فرهیختگی تنها یک اسم نیست بلکه رسم دارد و هر کسی که رسم فرهیختگی را در دانشگاه ها به جا نیاورد دیگر در دانشگاه های ایران اسلامی جایی ندارد.» دانشجو سپس لحن صحبت خود را از قاطعیت به تضرع و زاری برگرداند و ادامه داد: «اینجانب به نوبه خود از محضر ولیعصر و نایب برحقش مقام عظمای ولایت، مراجع عظام، روحانیت و همه افشار و مردم بزرگوار ایران اسلامی عذرخواهی می کنم و امیدوارم ملت غیور و فداکار کشورمان حساب معدود افراد بازی خورده شیطان بزرگ را از حساب قاطبه دانشگاهیان ولایت مدار و معتقد به مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی جدا کنند.»

ادامه حملات به رفسنجانی و خانواده

آیت الله خمینی

در همین حال و به دنبال حملات شدید حامیان دولت به آیت الله هاشمی رفسنجانی، به ویژه پس از به راه افتادن جنجال بر سر تصویر پاره شده آیت الله خمینی، دفتر رییس مجلس خبرگان روز دوشنبه با انتشار اطلاعیه ای، حامیان دولت را متهم کرد که پروژه «هاشمی ستیزی» را با هدف «زردبان سازی برای استیضاهمجانبه با حضور روحانیت در امور اجرایی» کلید زده اند.

از سوی دیگر، دختر ارشد آیت الله خمینی که از سوی یک پایگاه خبری در باره واکنش خانواده رهبر پیشین ایران به رویدادهای اخیر مورد پرسش قرار گرفته بود حاضر به پاسخگویی در این زمینه نشد.

وی به سایت «خبر آنلاین» گفته است: «به عنوان فرزند امام بهتر است سکوت کنم و حرفی نزنم.»

برخی از سایت های نزدیک به دولت نیز از «سکوت» سید حسن خمینی، نوه بنیانگذار جمهوری اسلامی، در قبال پاره کردن عکس آیت الله خمینی انتقاد کرده و گفته اند که «وی پس از این هتک حرمت با مسافرت به خارج از کشور (پاکستان) تا این لحظه واکنشی نسبت به این موضوع نشان نداده است.»

دادستان تهران:

دستگیری متهم به پاره کردن عکس

آیت الله خمینی

در حالی که در روزهای گذشته رسانه های دولتی ایران با دستاویز قرار دادن ویدئوی تصویر پاره شده آیت الله خمینی حملات گسترده ای را علیه معترضان مردمی ترتیب داده اند، دادستان تهران گفته است که یک متهم به این اقدام در همان روز [۱۶ آذر] دستگیر شده بود.

به گفته عباس جعفری دولت آبادی، این متهم در زندان است و از مأموران خواسته شده که «تمام کسانی که در این حوزه ها بودند، شناسایی شوند.»

تلویزیون دولتی ایران در گزارشی خبری در شامگاه ۱۶ آذر، در خلال پخش صحنه هایی از اعتراض های دانشجویی در دانشگاه تهران، تصویر پاره شده آیت الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، را به نمایش گذاشت، و پخش چند باره این تصاویر و انتساب آن به حامیان جنبش سبز از سوی نزدیکان آیت الله خمینی مورد اعتراض شدید قرار گرفت.

با این حال برخی چهره های حامی دولت و رسانه های دولتی در اقدامی همسو، در این زمینه انگشت اتهام را به سمت دانشجویان حامی جنبش سبز نشانه رفتند و به رغم واکنش چهره های شاخص اصلاح طلب این اتهامات همچنان ادامه دارد.

اکنون دادستان تهران می گوید که یکی از متهمان این واقعه در همان روز [۱۶ آذر] دستگیر شده و قرار است پرونده به سرعت تکمیل و به دادگاه ارسال شود.

آقای دولت آبادی با این حال از ارائه اطلاعات بیشتر در این موضوع خودداری کرده و گفته است که به لحاظ حفظ مقررات امکان ذکر نام متهمین را ندارد.

وی همچنین افزوده است که «مردم مطمئن باشند دادستانی در مورد کسانی که به امام و مسئولین ارشد اهانت کنند هیچ گونه اغمازی نخواهد داشت و این حق مردم است که در این ارتباط از دستگاه قضایی مطالبه داشته باشند و انشاء الله دستگاه قضایی بتواند با سرعت و قاطعیت این افراد را به سزای اعمال خود خواهد رساند.»

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی، و نیز رهبر کنونی ایران جرم شناخته

زیدآبادی تا پایان عمر حق "تحلیل کتبی یا شفاهی" را ندارد



در حالی که طی روزهای گذشته فشار بر معترضان به انتخابات شدت گرفته و حتی خبرهایی مبنی بر احتمال بازداشت میرحسین موسوی منتشر شده است، برگزاری دادگاههای غیر علنی برای فعالان سیاسی و مطبوعاتی همچنان ادامه دارد. دادگاههایی که معمولاً به صدور احکامی بسیار سنگین و عجیب می انجامد.

مصطفی تاج زاده، محسن صفایی فراهانی، دکتر محمد ملکی و بهمن احمدی امویی، فعالان سیاسی و مطبوعاتی هستند که طی دو روز گذشته محاکمه شدند. پرونده فریبا پژوه نیز به دادگاه ارسال شده اما به گفته وکیلش هنوز، شعبه رسیدگی کننده به پرونده این روزنامه نگار در بند، مشخص نشده است.

در این میان آزادی حسن اسدی زیدآبادی و محمد صادقی با قرار کفالت شاید تنها خبر خوشحال کننده روزهای گذشته درباره زندانیان سیاسی و مطبوعاتی باشد. این دو عضو شورای مرکزی سازمان دانش آموختگان روز 12 آبان و در منزلشان به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شده بودند. هنوز زمان زیادی از انتشار خبر آزادی این دو فعال دانشجویی نگذشته بود که احسان بدایعی عضو ادوار تحکیم وحدت نیز بازداشت شد. احسان بدایعی از اولین امضاکننده های نامه ی مردم سیرجان خطاب به رئیس قوه قضاییه بود که در آن درخواست آزادی حسن اسدی زیدآبادی و دکتر زیدآبادی را مطرح کرده بودند.

۹ سال حبس و ۷۴ ضربه

شلاق برای لیلاز



وکیل سعید لیلاز، از ابلاغ حکم این روزنامه نگار خبر داد. به گفته محمود علیزاده طباطبایی، سعید لیلاز به 9 سال حبس تعزیری و 74 ضربه شلاق محکوم شده است. علیزاده طباطبایی گفت: آقای لیلاز به عنوان یک اقتصاددان و روزنامه نگار با کارشناسان سفارتخانه های مختلف جلساتی داشته که این کار مبنای اتهام اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت قرار گرفته و از این بابت به پنج سال زندان محکوم شده است.

به گفته این وکیل دادگستری، دادگاه مقاله های اقتصادی آقای لیلاز در دهه 1380 را مبنای اتهام دیگری قرار داده و از این بابت وی را به یک سال زندان محکوم کرده است. وی به خاطر شرکت در راهپیمایی ۲۵ خرداد نیز به یک سال حبس محکوم شده است.

وکیل آقای لیلاز افزود: دادگاه سخنان آقای لیلاز را هم به عنوان توهین به مسئولان تلقی کرده و بر مبنای این اتهام، وی را به دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرده است.

وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی برای زیدآبادی و کفالت برای باستانی



محمد شریف از تودیع وثیقه 5 میلیارد ریالی برای احمد زیدآبادی و صدور قرار کفالت برای مسعود باستانی خبر داده است.

این وکیل دادگستری در گفتگو با ایلنا از ثبت لایحه اعتراضی نسبت به احکام احمد زیدآبادی و مسعود باستانی خبر داده و گفت: لایحه اعتراض به احکام صادره در مورد محکومیت های احمد زیدآبادی و همچنین اعتراض به حکم صادره در مورد محکومیت مسعود باستانی، در دادگاه بدوی صادر کننده احکام فوق ذکر به ثبت رسید.

وکیل زیدآبادی ادامه داد: در رسیدگی بدوی به اتهامات موکلم تصور محکومیت به شکل صادر شده به ویژه در خصوص محکومیت ایشان به ممنوعیت مادام العمر وی از هر گونه تحلیل کتبی و شفاهی را نداشته و امیدوارم که دادگاه تجدید نظر بر اساس قوانین موضوعه جمهوری اسلامی رسیدگی کند.

وی با بیان اینکه محکومیت مادام العمر در قوانین جمهوری اسلامی ایران موضوعیت ندارد، اظهار داشت: منطق حاکم بر احکام حقوقی و پیشینه هایی که اینجانب تا به حال به عنوان وکیل مشاهده کرده یا شنیده و یا خوانده ام، صدور حکم محکومیت مادام العمر از تحلیل مسایل سیاسی را مشاهده نکردم و نحوه نظارت اجرای احکام بر اجرای چنین محکومیت نیز نامشخص است به این ترتیب به صدور حکم قانونی امیدوار هستم.

شریف درباره پرونده مسعود باستانی نیز گفت: با توجه به اینکه شغل موکلم روزنامه نگاری است و روزنامه نگار در برابر خدمات راجع به شغل خود مانند همه مشاغل دستمزد می گیرد، پیگیری روزنامه نگار به لحاظ انجام کار های قانونی راجع به شغل خبرنگاری مبنای قانونی ندارد به همین دلیل به ناچار چشم امید به دادگاه تجدید نظر دوخته ام. وکیل مسعود باستانی ادامه داد: در خصوص پرونده این موکلم نیز قرار کفالت صادره شده، اما با توجه به مذاکرات همکارم با دفتر دادگاه تجدید نظر، در حال حاضر ما با این پرسش مواجه هستیم که آیا دادگاه تجدید نظر در خصوص اجرای این قرار تصمیم اتخاذ خواهد کرد یا خیر؟

وی در مورد پرونده عبدالله مومنی نیز گفت: در خصوص این پرونده در صدد انجام تشریفات قانونی جهت مطالعه پرونده و تنظیم لایحه هستیم.

شریف در پاسخ به این پرسش که آیا دادگاه برای تبدیل قرار بازداشت موکلان شما به وثیقه یا کفالت تصمیمی اتخاذ نکرده است، گفت: در مورد تامین وثیقه صادره در پرونده زیدآبادی با توجه به اینکه مبلغ وثیقه اولیه 250 میلیون تومان بود این مبلغ یک بار به 350 میلیون و بار دیگر به 500 میلیون تومان افزایش یافت و در حال حاضر تمام تشریفات قانونی جهت تودیع وثیقه صورت پذیرفته است.

تاج زاده در اعتراض، از خود دفاع نکرد

جلسه دادگاه مصطفی تاج زاده، عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جبهه مشارکت، در حالی برگزار شد که این فعال سیاسی، هیچ دفاعی از خود نکرد. امیر حسین آبادی، وکیل مصطفی تاج زاده اعلام کرد که آقای تاج زاده بنا بر به دلایلی از خود دفاع نکرده و برای همین رئیس دادگاه وقت رسیدگی را تجدید کرده است. وکیل آقای تاج زاده هیچ توضیحی درباره علت سکوت و عدم دفاع از سوی موکلش نداده است. در عین حال سایت نوروز، ارگان رسمی جبهه مشارکت خبر داده است که آقای تاج زاده، نسبت به برگزاری دادگاه خود به صورت غیر علنی اعتراض داشته و خواستار دفاع از اتهاماتی بوده که در کیفرخواست دسته جمعی به او و اصلاح طلبان وارد شده بود.

حکم صفایی فراهانی

هفته دیگر صادر می شود



یک روز پیشتر یعنی روز شنبه دادگاه محسن صفایی فراهانی برگزار شده بود. پیشتر صالح نیکبخت، وکیل این عضو جبهه مشارکت اعلام کرده بود که موکلش در ۱۸ روز اول بازداشت شرایط بسیار سختی را از سر گذرانده است.

او گفته بود: آنچه که مهندس صفایی برای من تعریف کرد بسیار دردناک است و فعال قادر به بازگویی آن نیستم. برخی اخبار مبنی بر ضرب و شتم آقای صفایی فراهانی با کابل و سیم نیز منتشر شده است. با این حال دادگاه رئیس سابق فدراسیون فوتبال ایران روز شنبه در شعبه 15 دادگاه انقلاب و به صورت غیر علنی برگزار شد.

هوشنگ پوربابایی، وکیل آقای صفایی فراهانی با بیان اینکه از لحاظ قانونی نمی تواند جزئیات جلسه دادگاه را بیان کند، خبر از اخذ آخرین دفاع از موکلش داده و گفته است که آخرین دفاع از موکلش گرفته شده و بر اساس قانون تا یک هفته دیگر دادگاه باید حکم خود را صادر کند. به گفته او، اقدام علیه امنیت، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به مسئولان حکومتی و تشویش اذهان عمومی، اتهاماتی است که به محسن صفایی فراهانی منتسب شده است.

اعتراض دکتر ملکی و عدم آزادی بهمن

دادگاه بهمن احمدی امویی و دکتر محمد ملکی نیز روز شنبه برگزار شده است. بر اساس گزارش ها قاضی دادگاه با آزادی آقای احمدی امویی با قرار وثیقه مخالفت کرده و گفته است که این روزنامه نگار تا زمان صدور حکم در زندان می ماند.

قدسی میرمعز، همسر دکتر ملکی نیز خبر از اعتراض این فعال سیاسی به ادامه بازداشت اش داده و به بی بی سی گفته است: این دادگاه اعتراضی بوده و آقای ملکی معترض بوده که او را در زندان نگهداشته اند. زیرا آقای ملکی معتقد است که آنها سنوالی که داشتند پرسیده اند و بازجویی هم کرده اند.

به گفته همسر آقای ملکی، هنوز مشخص نیست که آیا بعد از این دادگاه، حکم صادر خواهد شد یا باید دادگاه دیگری تشکیل شود.



مخالفت با آزادی نورانی نژاد و محمودیان

دادگاه انقلاب تهران با آزادی حسین نورانی نژاد رئیس و مهدی محمودیان عضو کمیته اطلاع رسانی جبهه مشارکت مخالفت کرده است.

حسین نورانی نژاد و مهدی محمودیان که طی دو هفته اخیر در شعبه 4 دادگاه انقلاب مورد بازپرسی قرار گرفتند، پس از اتمام جلسات بازپرسی پرونده اتهامی آنها برای تشکیل به دادگاه ارجاع داده شد، بازپرس شعبه 4 همچنین با تبدیل قرار بازداشت نورانی نژاد و محمودیان به وثیقه مخالفت و بازداشت موقت آنها را تا زمان برگزاری دادگاه تمدید کرده است.

بر اساس گزارش سایت نوروز، اتهامات نورانی نژاد در ارتباط با سایت نوروز و مراسم های مذهبی حسینی در آلزها عنوان شده است. اتهامات محمودیان نیز مربوط به سایت نوروز عنوان شده است.

حسین نورانی نژاد و مهدی محمودیان 90 روز پیش بازداشت شده و از آن زمان تا کنون در بند 209 زندان اوین به سر می برند.

ملاقات ساسان آقایی با خانواده

خانواده ساسان آقایی، روز گذشته در زندان اوین با این روزنامه نگار در بند ملاقات کردند. این ملاقات که به صورت حضوری و فقط بیست دقیقه بوده است به گفته خانواده ساسان آقایی، این روزنامه نگار همچنان در سلول انفرادی نگهداری می شود. آنها وضع روحی ساسان آقایی را خوب توصیف کرده و اتهام منتسب به این روزنامه نگار را، تبلیغ علیه نظام ذکر کردند. سایت جرس به نقل از خانواده آقایی گزارش داده که ساسان تا کنون دو بار تحت بازجویی قرار گرفته است.



روح اله حسینیان هاشمی را به اسلام دعوت کرد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: موسوی و خاتمی، حقیرتر، کوچکتر و پستتر از آنند که نظام خواهد با آنها مقابله کند و حتی هاشمی هم کوچکتر از آن است که بخواهیم با وی مبارزه کنیم. روح الله حسینیان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با حضور در تجمع امروز دانشجویان در حرم مطهر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی طی سخنانی با اشاره به اینکه ما در اینجا جمع شده ایم تا با امام خمینی بیعت کنیم و با طرح این پرسش که چرا به امام خمینی تو هین شد؟ گفت: باید به این پرسش پرداخت که چه کسانی دشمن امام بودند و به خود اجازه دادند که چنین جسارتی را بروز دهند؟ حسینیان با بیان اینکه امام خمینی کشور ما را در این دنیای استکباری نجات داد، تصریح کرد: امام در زمانی که مناسبات بین المللی برپایه جنگ سرد حاکم بود و دو ابر قدرت، دنیا را بین خود تقسیم کرده بودند، توازن قوا در جهان را به نفع مستضعفان جهان بر هم زد.

این نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به اینکه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بیداری اسلامی را در سطح جهان را به وجود آورد تأکید کرد: امام راحل بارها پوزه آمریکا را به خاک مالید، به همین دلیل زمانی که امام رحلت کرد حتی دشمنان ایشان در وصف امام گفتند که ایشان بارها دماغ آمریکا را به خاک مالید.

وی با تأکید بر اینکه امام خمینی هیمه و قدرت پوشالین غربی ها را شکست، تصریح کرد: به همین دلیل دشمنان اسلام احساس حقارت کردند و همین عامل باعث شد دشمنی آنها با امام ریشمدار شود.

حسینیان افزود: امام خمینی در کشوری که ۲۵۰۰ سال استبداد در آن حاکمیت داشت توانست کاخ های رژیم شاهنشاهی را فرو ریزد و در جهانی که عده ای می گفتند "دین آفیون توده ها است" مجدداً دین را احیا کند.

این نماینده خانه ملت با بیان اینکه در موقعیتی که ما در آن قرار گرفتیم، دعوی ما با بگ فرد به نام موسوی نیست، تصریح کرد: موسوی کوچکتر از آن است که امت حزب الله و نظام خواهد با آن مقابله کند.

وی اضافه کرد: خاتمی هم ضعیفتر، پستتر، کوچکتر و حقیرتر از آن است که این امت حزب الله و دانشجویان بیدار بخواهند با بگ چنین شخص حقیری که چشمش به دست غرب است، مقابله کنند. حتی هاشمی هم کوچکتر از آن است که ما بخواهیم با وی مبارزه کنیم.

حسینیان با بیان اینکه ما امروز در مقابل بگ جریان باخته که ریشه های آن در اروپا است قرار گرفته ایم، اظهار

داشت: ریشه های این جریان در بی دینی و اصلاحاتی که در کشور شعارش را می دادند، وجود دارد و باید با این جریان باطل و ضدخدایی مقابله کنیم. وی با تأکید بر اینکه بایستی با بصیرت عمل کنیم گفت: ما در مقابل بگ جریان باطل که منشأ آن آمریکا و تفاله های داخلی وابسته به آمریکا هستند، مواجه هستیم که قصد دارند با آرمان امام مبارزه کنند به همین دلیل عکس ایشان را پاره کرده و بر روی آن اسکناس انداختند، یعنی آنها می خواهند بگویند که امام مرده است اما آنها باید بدانند که آنها مرده اند و امام برای همیشه تاریخ زنده است.

این نماینده مردم تهران در مجلس با بیان اینکه قلب این امت و دانشجویان با یاد امام خمینی می تپد و به زندگی ادامه می دهد، اظهار داشت: خاک بر سر شما که حتی از صدام هم کمتر هستید زیرا وی در زمان اعدام خود گفت تنها مردی که در عالم پیدا می شود آیت الله خمینی است اما شما حتی از صدام نیز پست ترید که به خود اجازه می دهید به قلب تپنده ملت ایران تو هین کنید.

حسینیان در ادامه تصریح کرد: این حرکت به سردماری فتنه سیاه با جریان سبز اموی شکل گرفته است.

وی در ادامه سخنان خود خطاب به هاشمی رفسنجانی نیز اظهار داشت: آقای هاشمی تو بارها در فتنه اخیر به مقام معظم رهبری خیانت کردی و

فتنه سیاه با جریان سبز اموی شکل گرفته است. وی در ادامه سخنان خود خطاب به هاشمی رفسنجانی نیز اظهار داشت: آقای هاشمی تو بارها در فتنه اخیر به مقام معظم رهبری خیانت کردی و رهبری از تو حمایت کرد اما تو کینه خود را در مشهد نشان دادی و گفتی که اگر مردم رهبری را نخواهند باید برود اما در واقع مردم تو را نمی خواهند و این را بارها با شعار های خود نشان داده اند.

نماینده مردم تهران در مجلس افزود: تو دیگر در قلب مردم جایگاهی نداری و ما به تبعیت از رهبری تو را به اسلام دعوت می کنیم.

حسینیان با بیان اینکه ما دوست داریم که هاشمی پیرو ولایت باشد و دوباره همان هاشمی زمان انقلاب را ببینیم تصریح کرد: نباید هاشمی به خاطر فرزندان چنین ظلمی را به این ملت روا دارد.

وی همچنین خطاب به سید حسن خمینی نیز گفت: جناب عالی متولی حرم مطهر امام بزرگوار هستید و این افرادی که به حرم آمده اند مهمان های این حرم هستند؛ به همین دلیل جا داشت که شما در این جلسه شرکت کرده و به مهمانان امام خوش آمد می گفتید و باز هم به دامن انقلاب می آمدید. این نماینده مردم تهران در مجلس با پرسش این سؤال از سید حسن خمینی که چرا امام خمینی را با این عظمت فدای انسان های سیرو می کنید، گفت: خاتمی و موسوی کجا امام را قبول دارند و این جریان سبز اموی کجای خطش با امام یکسان است؟

وی افزود: آنها شعار "جمهوری ایرانی" را سر می دهند اما امام گفت که "جمهوری اسلامی" نه بگ کمتر و نه بگ کلمه بیشتر.

حسینیان تصریح کرد: این افراد در مقابل رسانه های خارجی عکس امام را پاره می کنند.

نماینده مردم تهران در مجلس خطاب به امام خمینی نیز گفت: اماما! به روح اطهرت قسم می خوریم و با تو بیعت می کنیم و تا خون در رگهای ما است لحظه ای از آرمان های تو کوتاه نمی آیم.

حسینیان افزود: ای امام! به روح تو سوگند که با جانشین به حق تو، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای، بیعت می کنیم و لحظه ای از حمایت از ایشان و سربازی در رکابش کوتاه نمی آیم و حتی اگر با همه دنیا هم در آمیزیم، در مقابل روح بلند تو آنها را به زانو در خواهیم آورد.

درخواست مشترک موسوی و کروبی

برای مجوز راهپیمایی

کروبی: در صورت مخالفت، ما نمی توانیم عواقب حضور خودجوش مردم را بر عهده بگیریم و هرگونه اتفاقی که برای مردم انقلابی ایران بیفتد، مسئولیتش متوجه آقایان است.

دو تن از رهبران جنبش سبز مشترکاً از دولت خواسته اند که برای اعتراض به پخش صحنه "اهانت" به آیت الله خمینی در تلویزیون این کشور، مجوز راهپیمایی صادر کند.

مهدی کروبی روز دوشنبه ۲۳ آذر (۱۴ دسامبر) به سایت تغییر (پایگاه اطلاع رسانی حزب اعتماد ملی) گفت:

"امروز بنده با مهندس میرحسین موسوی تلفنی صحبت کردم و قرار بر این شد که برای راهپیمایی و محکوم کردن رفتار های اینچینی یک درخواست مجوز بدهیم." او گفت با وجود اینکه برگزارای راهپیمایی مسالمت آمیز طبق اصل ۲۷ قانون اساسی ایران نیاز به مجوز ندارد، با توجه به شرایط جامعه و با هدف جلوگیری از آسیب دیدن تظاهرکنندگان، درخواست صدور مجوز را به وزارت کشور ارائه خواهند کرد.

آقای کروبی افزود: "امیدواریم که این حسن نیت ما پاسخ درخور و مناسب بگیرد اما در صورت مخالفت وزارت کشور، ما نمی توانیم عواقب حضور خودجوش مردم را بر عهده بگیریم و هرگونه اتفاقی که برای مردم انقلابی ایران بیفتد، مسئولیتش متوجه آقایان است."

او پاره کردن تصاویر آیت الله خمینی را محکوم کرد و گفت که "نشر و اشاعه" این کار در تلویزیون ایران، "مصادق تشویش آذهن عمومی" است.

آقای کروبی گفت: "گویی یک توطئه از پیش تعیین شده صورت گرفته باشد، زیرا ناگاه مردم ایران عکس امام عزیزشان را پاره شده بر صفحه تلویزیون دیدند که رفتاری بسیار مشکوک و عجیب بود."

"بی گمان توطئه افکنان تصویر امام خمینی را با ترفندهای خاص و فضا سازی شناخته شده، به آتش کشیدند تا آن را به پای جنبش سبز بگذارند و از این طریق حقانیت ندای سبز مردم را مشوش کنند"

زهرارهنورد تلویزیون ایران در بخش خبری ۲۰:۳۰ روز ۱۶ آذر، در قسمتی از گزارش خود از حوادث روز دانشجو که به اعتراضات دانشجویان مخالف دولت مربوط می شد، تصویری از عکس پاره شده آیت الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی را پخش کرد و آن را به دانشجویان معترض نسبت داد.

پخش این تصاویر باعث شد موج تازه ای از تهاجم علیه جنبش اعتراضی موسوم به "جنبش سبز" و رهبران آن آغاز شود و تا عالی ترین سطوح گسترش یابد؛ تا جایی که آیت الله علی خامنه ای "اهانت" به بنیانگذار جمهوری اسلامی را صراحتاً نتیجه اقدامات رهبران مخالفان دولت و کار هواداران آنها دانست.



تبلیغ و تکرار می کنند و با طرفدای مختلف از سرکوب و حشیشانه تا بیادگاههای نمایشی، می کوشند تا به مردم بقبولانند که انسان حقی برای تعیین سرنوشت خویش ندارد، تلاش برای کسب حقوق بشر جرم است و آدمی اصلاً نمی تواند و نباید برای دریافت حقوق بشری خویش نقشی بازی کند. همان به که بنده ای باشد و حاکمیت را، که از آن خداست و به نمایندگانش واگذار شده است، بی چون و چرا بپذیرد.

در ایران نقض حقوق بشر با انکار بشریت بشر همراه است.

تلاش برای نهادینه ساختن حقوق بشر در ایران بستر مشترک فعالیت ما برای رسیدن به آزادی و دموکراسی است.

در پایان از شرکت کنندگان در این برنامه و دیگر شهروندان ایرانی و غیر ایرانی تقاضا شد، در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران، برای محترم شمردن حق زندگی، برای لغو اعدامهای تصویب شده و لغو قانون اعدام بطور کلی، برای محترم شمردن اصل برابری زن و مرد، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای احترام به حقوق کودکان و نوجوانان، برای احترام به اصول آزادی اندیشه و بیان و اجتماعات و تشکل و مطبوعات، و برای پایبندی به همه اصول حقوق بشر برگزارکنندگان مراسم را یاری رسانند.

**Iran-Freedom ایران آزاد -
United 4 Iran Germany اتحاد برای ایران**

وین - اتریش

شب ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹ مصادف با روز جهانی حقوق بشر، در شهر وین برنامه ای از طرف جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران - وین، برگزار شد. این برنامه با موزیک زیبای ویوالدی توسط دو هنرمند جوان ایرانی شروع شد. پس از آن بیانیه جمعیت در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران خوانده شد.

در ادامه گالری عکس و تابلوهایی که از جمله تابلوهایی در رابطه با جنبش سبز پس از انتخابات در آن بود (این گالری تا ۲۴ دسامبر در همان محل دایر است) و توسط یک هنرمند جوان ایرانی و استادش تهیه شده بود، معرفی شد. پس از تنفس کوتاهی، برنامه با میزگرد ادامه یافت. از طرف «گرین نویس-زمان» در این میزگرد خانم نویسنده «روبرت مناسه» سازمان عفو بین الملل، آقای رییس «گرهارد رویس» مشهور اتریشی و نیز آقای «پتر فلوریانوشویس» انجمن نویسندگان اتریش و نیز آقای نماینده مجلس محلی وین از حزب سوسیال

دمکرات، اتریش، شرکت داشتند. همچنین ویلی ریتزباریس هنرمند معروف اتریشی پیامی به این برنامه فرستاده بود. خانم نویس-زمان در باره فعالیت زنان ایرانی از جمله کمپین جمع آوری یک میلیون امضا از طرف آنان و دستگیری ها و زندانی کردن فعالین این جنبش صحبت کرد و سرکوب آن را محکوم اعلام کرد. وی همچنین به سرنوشت نامعلوم پزشکی که به خاطر شهادت خود در رابطه با شکنجه و تجاوز در زندانها احتمالاً به قتل رسیده است، اشاره کرد. خانم نویس - زمان اعلام کرد که سازمان عفو بین الملل در آخرین اطلاعیه مطبوعاتی خود، خواهان سفر آقای منافرد نواک به ایران برای بررسی وضعیت شکنجه در زندان ها شده است.

آقای روبرت مناسه، اعلام کرد که زمانی که موضوع حقوق بشر طرح است، او یک ایرانی، یک چینی، یک شیلیایی و یک کرتزنی (یکی از استان های اتریش) می باشد. وی تأکید کرد که می توان در مورد همه چیز از جمله دموکراسی و یا اقتصاد بازار مشاخره کرد، اما حقوق بشر قابل مشاخره نیست.

او معتقد بود که پس از قرارداد لیسابون، اروپایی ها باید یکپارچه حقوق اولیه انسان را به رسمیت بشناسند و از آن دفاع کنند، اما نه فقط در اروپا، بلکه در کشورهای که با آنها روابط اقتصادی دارند نیز باید خواستار اجرای آنها باشند.

آن طور که شما در بیانیه خود ذکر کردهاید هنرمندان زیادی هم با شما در کشورهای گوناگون همکاری می کنند . ممکن است بگویید اصولاً این برنامه در چه سطحی اجرا می شود؟

این برنامه تقریباً در ۳۰ شهر در سراسر دنیا که اکثر این شهرها در اروپا، کانادا و آمریکا هستند اجرا می شود. برنامه متشکل از بخش های مختلفی در یک مکان مشخص است، راه اندازی گالری عکس از هنرمندان، جلسات شب شعر و اجرای موسیقی بخشی از این برنامه هاست و در شهرهایی از جمله تورنتو، ونکوور، لندن، سانفرانسیسکو، نیویورک، بیکینگ، توکیو و چند شهر آلمان برگزار می شود و هنرمندان مختلفی هم در بسیاری از این شهرها برنامه اجرا می کنند.

ما با کسانی که نتوانسته اند جزو شرکت کنندگان این برنامه باشند تماس گرفته ایم و پیام آنان را خطاب به مردم ایران در وبسایتمان گذاشته ایم.

برای آینده هم برنامه هایی دارید؟

ما داریم پله به پله جلو می رویم . تا جایی که می توانیم سعی می کنیم با گروه های مختلف آشنا شویم. همان طور که مسائل داخلی ایران روز به روز تغییر می کند ما هم داریم بررسی می کنیم که همزمان با این تغییرات به چه مدل و چه شکلی می توانیم مردم را حمایت کنیم. به اعتقاد من مهمترین کاری که ما می توانیم انجام دهیم این است که گروه های مختلف را به همدیگر وصل کنیم و اگر کاری از دستمان برمی آید حتماً انجام دهیم.

همایش سالروز حقوق بشر

دوسلدورف - آلمان - روز جمعه ۱۱ دسامبر ۲۰۰۹ - سخنرانی علی طایفی، جامعه شناس - اجرای برنامه توسط گروه های موسیقی تپش ۲۰۱۲، کافران بی نام و P. CANTELL حضور Amnesty International Düsseldorf

در این مراسم گفته شد: حاکمان ایران، که به ویژه پس از مصادره آرای مردم و تحمیل احمدی نژاد، دیگر آشکارا شمشیر سرکوب را از رو بسته اند، به وحشیانه ترین و بی رحمانه ترین شکلی مردان و زنان این مرز و بوم را مورد شکنجه، آزار و تحقیر جسمی و روحی قرار می دهند. در ایران حقوق بشر مکرر و به طرز وحشیانه ای نقض می شود. اعدام جوانان، سنگسار زنان، اعدام به طور کلی، شکنجه و تجاوز، زندانهای قرون وسطایی و خارج از استاندارد، نادیده گرفتن حقوق اقلیتهای مذهبی و آزار و حتی اعدام افراد به جرم داشتن دین و یا عقیده ای دیگر، پیامل کردن حقوق اقوام دیگر، نقض آشکار حقوق زنان و کودکان، عدم تساوی افراد در مقابل قانون، اخراج از کارویا زندانی و شکنجه کردن افراد به دلیل داشتن عقاید و یا فعالیت سیاسی، غارت اموال ملی و محروم کردن افراد بی شماری از آنها، تهدید و حملات مکرر به آزادیهای فردی و اجتماعی، معوق گذاشتن تمامی آن بخشی از قانون اساسی که به جمهوریت مربوط می شوند و غیره.

اصلاً قانون قصاص که بخش اساسی دستگاه و سیستم قضایی رژیم بر آن استوار است، نقض عریان و آشکار حقوق بشر است. خود ساختار قضایی جمهوری اسلامی ناقض حقوق بشر است. اقتدارگرایان به این همه بسنده نکرده و با صراحت، آزادی را که جوهره اصلی بشر و حقوق بشر را تشکیل می دهد، کلمه ای فریبنده و اغتشاش آفرین و عملی برای توطئه دشمنان خارجی جلوه می دهند و لاینقطع به بتترین شکل نقض حقوق بشر یعنی ششمنوی مغزی آحاد بشر، سانسور و جعل اطلاعات و حتی تاریخ و به تبلیغ و تزییق خرافات و دروغ به جای دین مشغولند. آنان در تلاش برای انکار بشریت بشرند و با تمام قوای خود، هنوز پس از گذشت بیش از شصت سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، دانما این ادعای ضد بشری خود را، که افراد بشر گوسفندانی هستند و نیازمند چوپان

با این حال مخالفان دولت این اتهام را به شدت رد می کنند. در یکی از تازه ترین واکنش ها از این دست، زهرا رهنورد (همسر میرحسین موسوی) گفته است که «جنبش سبز» از دل اندیشه های آیت الله خمینی سر بر آورده و حامی آرمان های اوست.

خانم رهنورد روز دوشنبه ۲۳ آذر در گفت و گو با سایت پارلمان نیوز، پایگاه خبری فرانسویون اقلیت مجلس شورای اسلامی، گفت: «بی گمان توطئه افکنان تصویر امام خمینی را با ترفندهای خاص و فضا سازی شناخته شده، به آتش کشیدند تا آن را به پای جنبش سبز بگذارند و از این طریق حقانیت ندای سبز مردم را مشوش کنند».

پیش تر میرحسین موسوی و محمد خاتمی هم انتشار تصاویر «هانت به آیت الله خمینی» در تلویزیون ایران را مشکوک خوانده بودند.

هنرمندان در روز جهانی هنر در حمایت

از جنبش حقوق مدنی ایران



شنبه ۱۲ دسامبر، برابر با ۲۱ آذرماه، شش ماه از انتخابات ریاست جمهوری در ایران گذشت.

انتخاباتی که اعلام نتیجه آن به بزرگترین اعتراض های مدنی در ایران طی دهه های گذشته منتهی شد. اعتراض ها و واکنش خشن نیروهای امنیتی روبهرو شد و ده ها تن از معترضان در این خشونت ها جان خود را از دست دادند، صدها تن زخمی و هزاران تن دیگر نیز بازداشت شدند.

به گفته بسیاری از تحلیلگران، اعتراض های پس از انتخابات، مخالفان را زیر یک چتر جمع کرد. از سوی دیگر مخالفت ها و اعتراض ها به ایران محدود نماند و از مرزهای آن گذشت و کنشگران مدنی، فعالان سیاسی و هنرمندان بسیاری را به میدان آورد. در بسیاری از شهرهای اروپایی و آمریکایی، گروه های مدنی طرفدار صلح، کنشگران اجتماعی دانشجویان و شهروندان غیر ایرانی نیز برای اعلام همدلی خود با معترضان ایرانی همراه شدند.

در ششمین ماه پس از آغاز اعتراض ها شمار زیادی از هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی در بسیاری از شهرهای جهان گرد هم آمدند و تحت عنوان «روز جهانی هنر در حمایت از جنبش حقوق مدنی ایران» پشتیبانی خود را از جنبش اعتراضی در ایران اعلام کردند. جنبشی که در ایران و جهان به جنبش سبز شهرت یافته است. گروه «اتحاد برای ایران»، از سازمان دهندگان این گردهمایی جهانی بود که آن را پیامی «به افتخار و یادبود جنبش حقوق مدنی در ایران» نامیده است.

فیروزه محمودی از اعضای این گروه به رادیو فردا می گوید: نشست اول ما در اوایل ژوئیه تشکیل شد و برنامه اولمان را، سازماندهی کردیم. و در آن زمان در ۱۱۰ شهر سراسر دنیا در یک روز، تظاهرات برگزار شد ما با افراد مختلفی در تماس بودیم. کاری که ما می کنیم اکثراً یک کار شبکه ای است که گروه های مختلف را به هم ربط می دهد و کارهای هماهنگ کننده را انجام می دهیم. روز شنبه ۱۲ دسامبر «روز هنر» نامگذاری شده بود و روز پنجشنبه نیز روز بین المللی حقوق بشر و دقیقاً ششمین ماهگرد انتخابات ایران بود. بنابراین ما این روز را انتخاب کردیم تا کماکان پشتیبانی خود را برای ایران ادامه دهیم.

آقای گر هارد رویبیس معتقد بود گرچه همبستگی معینی در بین اتریشی ها با جامعه مدنی ایران به چشم می خورد، اما در سیاست رسمی اتریش، این همبستگی خیلی ضعیف است.

آقای فلوریان شوتس به این دید که حقوق بشر را منطقه ای می کند شدیداً انتقاد کرد و گفت که ما فقط یک نوع حقوق بشر داریم و بس.

همه شرکت کنندگان در میز گرد بر سر این مساله که جنبش اخیر ایران از طرف اروپا به طور جدی مورد حمایت و همبستگی قرار نگرفته، متفق القول بودند. برنامه با یک قطعه موسیقی محلی ایرانی که با دوتار توسط هنرمند جوان ایرانی اجرا شد و نیز فیلم مستند کوتاهی که توسط یکی از فعالین جوان جمعیت از فعالیت های جمعیت در اتریش و نیز صحنه هایی از حوادث بعد از انتخابات تهیه شده بود، به پایان رسید.

نگاه سبز

از قضا سر انگبین صفرا فروز تقی رحمانی

تقدیم به دوران دانشجویی دانشجویی عباس شببانی و باز هم تقدیم به مجید توکلی:
سخنی با حاکمان: فرض کنیم که مجید توکلی با چادر از دانشگاه خارج شده، اگر چه این فرض زیر سوال است چون چهره باید همراه با عکس های فراوان همراه باشد نه این که با حالت رضایت گونه عکسی از او بگیرد که در ظاهر در محیط بسته ای است، اما شما با این کارتان جهان بینی و باورتان را در مورد زن نشان دادید.

قصد تحقیر مجید توکلی به خاطر اینکه او لباس زنانه پوشیده است، لباس زنانه یعنی تحقیر شدن از نگاه شما!

پس با این کارتان زنان را تحقیر کرده اید، مادران هم زن هستند، مادران را هم تحقیر کرده اید. اما باور کنید که دنیای طبقاتی و جنسیتی نادرستی دارید. در نظر خداوند جنس و طبقه نشانه برتری نیست اما شما به راستی لباس زنانه را نشانه تحقیر گرفته اید. حال سوال این است که مگر اندرز گو با لباس مبدل فعالیت نکرد شما اندرزگو را قهرمان می دانید، ما ان را مبارزی شجاع.

اما مهمتر آن است که اگر دختری لباس مردانه بپوشد شما او را جسور و یا پررو می دانید در عوض اگر پسری لباس زنانه بپوشد او را علامت تحقیر می دانید. اما باید بدانید که نمی دانید با خود و ارزش هایتان چه می کنید. مجید توکلی اگر اتهامی دارد باید در دادگاه علنی محاکمه شود ان هم با حضور هیئت منصفه. وضعیت ظاهری او هیچ تاثیری در اتهام او نخواهد داشت.

او انسانی شجاع است اگر موضعی گرفته توان دفاع از ان را نیز دارد. و اگر اشتباه کند توان نقد ان را. اما شما با این کار او را تحقیر نکردید بلکه نا خواسته راهی را گشودید که هزاران نفر به راحتی از اختلافات ظاهری فاصله بگیرند و در نتیجه، رابطه منطقی، اصولی و انسانی و حتی مذهبی جدیدی با جنس زن برقرار کنند.

این روز ها شماها که قدرت دارید و امکانات نمی دانید بسیاری از کار هایتان نتیجه عکس منظور شما را خواهد داشت.

سه نسل جنبش دانشجویی ایران محسن حیدریان

جنبش دانشجویی ایران بیش از ۷۰ سال سابقه دارد. اگر از استثناهایی در زیگراگهای تاریخ این جنبش مثل دانشجویان موسوم به جامعه سوسیالیست های نهضت ملی به رهبری خلیل ملکی صرف نظر کنیم، می توان تحرک های جنبش دانشجویی این ۷۰ سال را به سه نسل با سه پارادایم، سه رفتار و سه شیوه تفکر گوناگون تقسیم کرد.

میان هر دوره یا هر پارادایم جنبش دانشجویی، با مختصات اجتماعی آن دوره یک نسبت دوطرفه وجود دارد. بعبارت دیگر جنبش دانشجویی فقط انعکاس اوضاع یک دوره نیست بلکه سازنده آن نیز بوده است. به عبارت دیگر یک ویژگی جنبش های دانشجویی ایران رویکرد سیاسی و محدود نبودن آن به وظایف دانشجویی و دانشگاهی است. این گرایش با توجه به شرایط ایران و نبودن احزاب و محدودیت های سیاسی قابل درک است، اما زبان هایی نیز برای یک جنبش اصیل دانشجویی در بر داشته است. فراتر رفتن پژواک جنبش دانشجویی از فضای دانشگاهی، انتظارات بیش از حدی از این جنبش را در پی داشته است. اما به هر حال با وجود تحرک های خارق العاده، هنوز یک جنبش قدرتمند و اصیل دانشجویی بدون بار سیاسی برای بهبود شرایط دانشگاه در ایران شکل نگرفته است.

نسل اول جنبش دانشجویی

نسل اول جنبش دانشجویی ایران، ده سال پس از تاسیس قدیمی ترین دانشگاه کشور یعنی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ یعنی حدود سالهای ۱۳۲۳ همزمان با گشایش فضای سیاسی و شدت گیری فعالیت حزب توده ایران، پا به صحنه گذاشت. اما مبارزه این نسل تا اواخر دهه ۳۰ ادامه هم ادامه یافت. در این دوران، حزب توده ایران یگانه نیروی متشکل سیاسی و مبارزی بود که برای جوانان و دانشجویان و روشنفکران جاذبه شدیدی داشت. در این دوران دانشگاه استقلال داشت. اقلیتی از دانشجویان نیز از نظر ذهنی و سیاسی از جبهه ملی و دکتر مصدق الهام می گرفتند. اما سازمان دانشجویان دانشگاه تهران یکی از نیرومندترین نهادهای مدنی کشور بود. این نسل اولی ها در زمانی که دانشگاه تهران بیش از پنج، شش هزار دانشجو نداشت، آرنمانگرایانی نخبه بودند. اما این نسل یک نگاه اسطوره ای و غیر واقعی درباه نقش خود داشت و اسیر یک رادیکالیسم و شیفتگی آرمانی بود. اگر سرکوب های پی در پی، که از ۲۸ مرداد ۳۲ به این سو، جز در فاصله های کوتاه، همواره بیداد کرده است، نبود، این جنبش می توانست بر ضعف های خود در یک فضای دمکراتیک آگاهی یابد. اما پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد بشدت دچار یک ذهنیت قربانگراییانه شد و کوشش کرد که مسئولیت شکست خود را به گردن بیگانگان اندازد و نگاهی توطئه پنداری به سرنوشت خود پیدا کرد که در همه جامعه فراگیر شد. اما از این نسل در سالهای بعد، پس از اینکه به میانسانی رسیدند و دعواهای سیاسی را رها کردند، بهترین نویسندگان، شاعران، هنرمندان و

متفکران و استادان ایران برخاستند. آن گروه هایی از آنان که جان بدر بردند، به خاطر هوش و لیاقت فردی شان از موفق ترین مدیران بخش خصوصی ایران و بعضاً ثروتمند ترین ها، از دهه چهل به این سو شدند.

نسل دوم جنبش دانشجویی

این دورانی بود که نسل نخست جنبش دانشجویی پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد از نظر فکری و روانی سرخورده بودند. اما از دهه چهل به اینسو نسل تازه ای سر بلند کرد که تشنه گفتن تازه ای بود که هستی خود را معنا بخشد. نطفه ذهنیت انقلابی جامعه سیاسی ایران که به پیروزی انقلاب انجامید، در اوایل دهه ۴۰ منعقد شد. انتشار کتاب «غرب زدگی» جلال آل احمد در سال ۱۳۴۰، گرد آمدن هسته های فدائیان خلق پیرامون بیژن جزینی در سال ۱۳۴۲ و ظهور اندیشه های دکتر شریعتی در فضای دانشگاهی ایران در اواسط دهه چهل حوادث مهمی بودند که به روشنی پس رفت جنبش دانشجویی را شکل دادند. فضای جهانی و رشد جنبش های انقلابی نیز سهم مهمی در این رویکرد داشت. با وجود همه تفاوت های مهمی که میان سه جریان فکری فوق در اوایل دهه ۴۰ ایران وجود داشت، میتوان هسته اصلی واحدی را در تفکر و روش شناسی آنها تمیز داد. رادیکالیسم، اسطوره گرایی و انقلابی گری سه وجه اصلی پارادایم این نسل بود. به این معنی که این نسل ضمن اینکه نگاه توطئه پندار نسل قبلی را حفظ کرد، اصلاً راه دیگری رفت و دست به اسلحه برد و به زندگی زیر زمینی و جنگ مسلحانه علیه رژیم شاه روی آورد.

این نسل رویاهای بلند، بیش از اندازه بلند، داشت و سرش با لای ابرها بود. نمی توانست بدون چهار کلمه حرف گندهی رادیکال، حرف حساب خودش را بزند. این نسل آتش بازی هیجان انگیزی را که جلوی چشمان خود می دید، توفان واقعی می پنداشت و با مشت های گره کرده، جهان نامهربان را به مبارزه می طلبید.

پارادایم این نسل رادیکالیسم و انقلابی گری بود. انقلاب و ضدیت با غرب، در جامعه روشنفکری و دانشجویی ایران به یک «ارزش برای خود» تبدیل شد. این نسل پس از مشارکت در انقلاب، بخشی از آن سرکوب و متواری شد و بخش دیگرش به قدرت رسید. بخشی از آن هم در جنگ با عراق شرکت کرد و یا راه اصلاح نظام را برگزید.

آل احمد، شریعتی و جزینی هر سه الهام دهنده جنبش دانشجویی ایران در این دوره در میانسانی و قبل از پنجاه سالگی از جهان رفتند و هیچ یک فرصت چیدن میوه رویاهای انقلابی و رادیکال خود را از درخت انقلاب ایران نیافتند. آرمانهای آنها شریف بود و هر سه دارای شخصیتی کاریزماتیک بودند. هر سه آنان از هنر، هوش و تیز بینی چشمگیری در نفوذ در افکار عمومی برخوردار بودند. از اینرو اگر پس از پیروزی انقلاب زنده بودند شاید در افکار و ایده های خود تجدید نظر می کردند. اما انبان پایان ناپذیر کینه و خسونت و خواست تغییرات ناگهانی این نسل قبل از آنکه علیه کسی یا چیزی بکار گرفته شود، در واقع به نوعی برای از بین بردن خود این نسل بود. پارادوکسال این نسل در این بود که در شکوفاترین دوران اقتصادی ایران پا به دانشگاهها نهادند، اما بدترین سرنوشت فردی نسبت به نسل پیش و بسل بعد



اقتدار حکومت می‌انجامد. بنابراین آگاهی فردی، تغییر پارادایم جنبش دانشجویی به سمت مفهوم کلیدی اصلاحات تدریجی مهمترین زمینه خوش بینی من به نسل سوم جنبش دانشجویی است. جنبشی که دیگر اسپر هیجانات زود گذر نیست و با وجود دشواریهای زیاد، همچون نسل‌های پیشین انرژی و هوش و توان اش به هرز رفتن و سرخوردگی منجر نمی‌شود. شاید نسل آینده جنبش دانشجویی ایران، هنگامی که گرد و خاکها فرونشست و امکان اثبات یا ابطال پارادایم نسل سومی‌ها در گذر از کوره تجارب سخت و آزمون‌ها و چالش‌های واقعی فراهم شد، درباره نسل بنویسد که:

" نسلی که یک جنبش اجتماعی نیرومند را بدون مرکز فرماندهی اما بی اندازه هماهنگ شکل داد و نشان داد که هر کجا که آگاهی و اطلاعات برای ارتباط انسانی وجود داشته باشد، خشونت، انقلاب و حکومت دینی بی‌معنی است. نسلی که با جنبش مستمر ولی آگاهانه خود برای نخستین بار طعم یک پیروزی ماندگار را چشید و آزادی و دموکراسی را با شکلیابی و تغییرات مسالمت آمیز تدریجی در ایران و دانشگاههای کشور نهادینه کرد."

آسمانها و بالای ابرها بلکه در روی زمین خاکی است. می‌خواهند زندگی کنند و از زندگی لذت ببرند. اینها نه به دنبال رهبری کاریزماتیک‌اند و نه در جستجوی اسطوره‌های تاریخی و نه در شیفتگی آرمانی نسل‌های پیش می‌سوزند. اگر در زمان نسل اول دانشگاه تهران بیش از پنج، شش هزار دانشجو نداشت در حال حاضر از هر بیست ایرانی یک نفر دانشجوی است. اگر نسل دوم جنبش دانشجویی محدود به تعداد اندکی از دانشگاههای دولتی موجود بود، اینک همان پادزهر تاریخی سبب شده که هزاران تن از دانشجویان دانشگاه آزاد گرفته تا دانشجویان دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز به صفوف این جنبش پیوسته‌اند. اگر دو نسل‌های قبلی با وجود توانایی فردی فاقد خواست و آگاهی فردی بودند و در قالب آگاهی جمعی به دنبال نسخه‌ها و پیشداوری‌هایی از قبل تعیین شده بودند، این نسل به دنبال رای فردی، آگاهی فردی، حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی خود، آن هم بی شتاب و به گونه‌ای تدریجی است. اگر نسل‌های قبلی به دنبال زنده باد و مرده باد بودند، این نسل فکر کردن، پرسشگری و زیر سوال بردن را از راه تجربه واقعی زندگی خود برگزیده است.

مفهوم کلیدی اصلاحات تدریجی

سرانجام اگر اقتدارگرایان در این تصور بودند که به مرور زمان موفق به سرکوب جنبش می‌شوند و از سوی دیگر عده‌ای از انقلابیون نسل پیش خارج از کشور نیز تصور می‌کردند که با شروع جنبش "رای من کو" دیگر کار تمام است و ایران بسوی یک انقلاب دوباره و سرنگونی نظام می‌رود، اکنون مسلم است که هر دو به شدت در اشتباهند. رفتار جنبش دانشجویی ایران نشان از آگاهی بر این واقعیت دارد که دوره انقلاب‌های بنیان کن به سر آمده و هیچ نیرویی به طور کامل قابل حذف از صحنه سیاسی نیست. اما امکان تغییر رفتار هر نیروی اجتماعی و سیاسی وجود دارد. به باور من گوهر جنبش سبز در کلیت و نه جنبش دانشجویی همچون موتور و یکی از محرک‌های آن نه انقلاب است و نه تغییر نظام، بلکه ایجاد تغییرات در درون نظام با هدف تقویت جمهوریت آن و تأمین حقوق ملت با حرکت از مبانی قانون اساسی است. جنبش دانشجویی به این بلوغ رسیده است که اسلحه تبلیغاتی جناح افراطی رژیم را باید گند کند که همه را به قصد سرکوب به براندازی و تغییر رژیم متهم نکند. باور من و همفکرانم از ۲۰ سال پیش این بود و است که خواست‌های ما با رعایت قانون اساسی و در درون نظام موجود صورت بگیرد. با همین آگاهی و روش تفکر بود که در همه انتخابات سیاسی شرکت کرده ایم و همواره تأکید کرده ایم که مطالبات ما، اصلاح و تغییرات در قانون اساسی است نه تغییر تمام آن. و این یک امر تاکتیکی نیست بل باور واقعی ماست. زیرا چنین نیست که اگر رژیم ساقط شد، آزادی خود به خود به جای آن خواهد نشست.

اینکه حکومت به اعمال زور و قهر بیشتر ادامه می‌دهد در واقع نتیجه کاهش اقتدار او و فرسایش ساختار اقتدار قدرت است. سد اقتدار گرایان ترک برداشته اما جنبش مخالفین و از جمله دانشجویی با همگرایی گروه‌های گوناگون و با تکثر و تنوع رو به شکوفایی دارد. استمرار جنبش دانشجویی و کل جنبش در این وضع نهایتاً به شکستن و فروریختن سد

نصیب شان شد. فعالترین آنها سر از زندان در آورد، یا در جنگ یا زندان شهید شد و یا تن به مهاجرت دادند. رادیکالیسم این نسل به سدی در برابر دمکراتیک بودن آن تبدیل شد. من از این نسل می‌آیم. این نسل نتوانست یک جنبش قدرتمند و اصیل دانشجویی برای بهبود شرایط دانشگاه ایجاد کند و اساساً نتوانست جامعه مدنی و دمکراسی پایه‌ای را تمرین و تجربه کند.

نسل سوم جنبش دانشجویی

حالا ما با نسل سوم جنبش دانشجویی روبرو هستیم که در جریان انقلاب و سالهای جنگ کودکانی بیش نبودند. اما این جوانان اینک با استفاده از فضاهای بدیل مثل دانشگاهها، قهوه فروشی، پارک، محلات و مراکز خرید و اینترنت و تکنولوژی اطلاعات در برابر فرهنگ و مقررات رسمی رفتار می‌کنند. کابوس اقتدار گرایان در تمام این سی سال سبز شدن جنبشی بود که قدرت او را به چالش بگیرد. اما نهادهایی چون سپاه، بسیج و وزارت اطلاعات برای این نسل هرگز ابهت و اقتدار ساواک در نگاه نسل دومی‌ها را ندارد. بعبارت دیگر واکسن حکومت اسلامی، درست از درون پیکر نظام و همانجایی که هرگز تصور نمی‌کرد، فراهم شد. این نسل در برابر پارادایم انقلابی گری، خشونت طلبی و تقدس دینی مصونیت کامل یافته است.

در تمام ویدیو کلیپ‌هایی که از فضای جنبش دانشجویی ایران می‌رسد این پادزهر را می‌توان آشکارا دید. حضور گسترده دختران، رفتار مدنی، نوع لباس و آرایش، سلیقه موسیقی و رفتار اجتماعی این نسل سومی‌ها به وضوح تغییر پارادایم جنبش دانشجویی از انقلابی گری به اصلاح طلبی، از خشونت گرایی به مسالمت خواهی و از آرمانگرایی اسلامی و ایدئولوژیک به مصلحت جویی و جستجوی راه حل واقعی بر اساس تغییرات تدریجی را می‌توان دریافت.

دختری که پلیس نیروی انتظامی را به آغوش می‌کشد و مسالمت جویانه می‌گوید: برادر زن، تو هم از مایی. همزمان همه تابوهای ۳۰ ساله حکومت در زمینه ارزشهای انقلابی و اسلامی در باره جدایی جنسی، در باره تقدس حکومت اسلامی و در باره ارزشهای انقلابی را زیر سوال می‌برد.

بنابراین برای نسل کنونی مواضع سیاسی و ایدئولوژیک دو نسل پیش دیگر محلی از اعراب ندارد. درست بر عکس جنبش سبز دانشجویی پاد زهر یا واکسن سه بیماری وحشتناک ۳۰ ساله است: انقلاب، مذهب حکومتی و خشونت. این سه موضوع ارکان و اساس رفتار و تبلیغات جمهوری اسلامی ایران در ۳۰ سال گذشته بوده است. پادزهر این پارادایم تنها در درون پیکر همین نظام می‌توانست شکل بگیرد نه از بیرون. جنبش دانشجویی کنونی با پوست و گوشت و استخوان خود دریافته که حل مشکلات ایران باید با دوری و پرهیز آگاهانه از این سه راه انقلاب، حکومت دینی و خشونت صورت گیرد.

از اینرو به نظرم امروز یک چرخش معرفتی در جنبش دانشجویی که گل سر سبد جامعه ایرانی است، شکل گرفته است. این نسل سومی‌ها چارچوب‌های کلی و ساختار نظام موجود را پذیرفته و تنها به دنبال کسب حقوق مدنی شان و دستیابی به یک زندگی بهتر برای خودشان‌اند. این نسل سومی‌ها سرشان نه در





<p>http://unblockedbebo.info/</p> <p>http://x105f.info/</p> <p>http://eproxy.site/info/</p> <p>http://85unlocknow.info/</p> <p>http://ipmagick.info/</p> <p>http://schoolproxywebsites.cn/</p> <p>http://eproxy.site/info/</p> <p>http://admitfirst.info/</p> <p>http://soroxy.fileave.com/</p> <p>http://www.beginquick.info/</p> <p>http://unblockedbebo.info/</p> <p>http://02012.info/</p> <p>http://02013.info/</p> <p>http://02014.info/</p> <p>http://bestschoolproxy.cn/</p> <p>http://enewproxy.info/</p> <p>http://blockedfacebookproxy.cn/</p> <p>http://google12.net/</p> <p>http://www.dartall.info/</p> <p>http://vistaproxy.uni.cc/</p> <p>http://blockedfacebookproxy.cn/</p> <p>http://ta1055.info/</p> <p>http://pinkdot.info/</p> <p>http://lemonbox.info/</p> <p>http://proxify.tv/</p> <p>http://proxycross.co.cc/</p> <p>http://newfacebookproxy.cn/</p> <p>https://fl.mikattammi.com/pn/</p> <p>http://soroxy.fileave.com/</p> <p>http://bypassbluecoat.info/</p> <p>http://bypasscheat.info/</p> <p>http://bypassfool.info/</p> <p>http://bluecoatproxy.info/</p> <p>http://www.dailyfind.info/</p> <p>http://proxyanonym.com/</p> <p>http://www.guessed.info/</p> <p>http://cashcontest.info/</p> <p>http://bypassinternet.info/</p> <p>http://anonymousinternetsurfing.info/</p>	<p>http://66.90.77.3/~pro/</p> <p>http://www.mapopen.com/p/</p> <p>http://www.fluxa.info/</p> <p>http://soroxy.fileave.com/</p> <p>http://internetcloak.com/</p> <p>http://www.hashseek.net/</p> <p>http://zankaweb.info/blocked/</p> <p>http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/</p> <p>http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/</p> <p>http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/</p> <p>http://79.170.40.49/onlyinternet.co.uk/downloads/</p> <p>http://79.170.40.49/hoolaloops.com/downloads/</p> <p>http://fallcan.info/</p> <p>http://www.xp6.info/</p> <p>http://proxy.diekhoff.eu/</p> <p>http://wap.igma.tv/anoadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi</p> <p>http://www.perlproxy.com/</p> <p>http://www.carlomezetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl</p> <p>http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi</p> <p>http://www.nivol.net/</p> <p>http://anonymousaccess.info/</p> <p>http://cultlegend.com/</p> <p>http://hidemyself.co.tv/</p> <p>http://www.firstip.info/</p> <p>http://www.please-just-come-here.info/</p> <p>http://secondip.info/</p> <p>http://anonymousschoolproxy.cn/</p> <p>http://unblockeddigg.info/</p> <p>http://soroxy.fileave.com/</p> <p>http://www.resellersvip.com/</p> <p>http://blej.info/</p> <p>http://www.unblock101.info/</p> <p>http://www.cheesecamera.com/</p> <p>http://www.easylinks.info/</p> <p>http://www.resellersbasement.info/</p>	<p>فیلتر شکن های جدید</p> <p>http://blue.xp6.info/</p> <p>http://www.badkid.info/</p> <p>http://forexmicro.info/</p> <p>http://httpsanonymous.info/</p> <p>http://www.fallnow.info/</p> <p>http://admitsite.info/</p> <p>http://easeforyou.info/</p> <p>http://penguin-proxy.info/</p> <p>http://unblockedtechnorati.info/</p> <p>http://tuxproxy.info/</p> <p>http://newwebproxy.cn/</p> <p>http://www.xp6.info/</p> <p>http://xopen21.info/</p> <p>http://www.xp5.info/</p> <p>http://phpproxywebproxy.cn/</p> <p>http://www.firstip.info/</p> <p>http://schoolproxysites.info/</p> <p>http://2009.xp5.info/</p> <p>http://itsmine.co.tv/</p> <p>http://viewschoolproxy.cn/</p> <p>http://www.vistaproxy.uni.cc/</p> <p>http://www.masking.uni.cc/</p> <p>http://www.badidea.info/</p> <p>http://maktoobprox.co.cc/</p> <p>http://soroxy.fileave.com/</p> <p>http://webproxyurl.cn/</p> <p>http://gumtreeprox.co.cc/</p> <p>http://pokerprox.co.cc/</p> <p>http://playprox.co.cc/</p> <p>http://beboprox.co.cc/</p> <p>http://unblockproxyweb.cn/</p> <p>http://server4surf.co.cc/</p> <p>http://unblockedflickr.info/</p> <p>http://forexarbitrage.info/</p> <p>http://anonymouslist.info/</p> <p>http://prettyteacher.co.tv/</p> <p>http://www.helloteacher.info/</p>
--	--	---